

# گفتمان اعتدال و امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۱/۱۷

علیرضا رحیمی\*

## چکیده

گفتمان دولت یازدهم بر محور دال برتر «اعتدال» سامان یافته و دقیقه‌های این گفتمان را رویکرد تعاملی با جهان خارج؛ الگوی هم‌کنشی اعتدالی در داخل؛ الگوی ایرانی-اسلامی توسعه؛ الگوی غیرامنیتی کرانمند در حوزه اجتماعی؛ مهندسی غیرمکانیکی فرهنگی؛ رویکرد تلفیقی - بومی - اقتصادی به امنیت ملی با گرایش نرم‌افزاری؛ الگوسازی ترویجی از جمهوری اسلامی و رویکرد فرهنگی در مقابله با امپریالیسم تشکیل می‌دهند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که گفتمان اعتدال در سطح کارگزاری خود در عرصه‌های امنیت نظامی، امنیت سیاسی و انسجام اجتماعی کارنامه موفق داشته است؛ در عرصه امنیت اقتصادی برون‌دادی دوگانه داشته و در حوزه امنیت زیست‌محیطی به‌رغم برخی دستاوردها، تا دستیابی به اهداف اعلامی فاصله فراوانی دارد.

واژگان کلیدی: گفتمان، دولت یازدهم، مفصل‌بندی، امنیت ملی، اعتدال.

ar\_rahimi54@yahoo.com

\* عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات راهبردی

فصلنامه مطالعات راهبردی ● سال بیست و دوم ● شماره اول ● بهار ۱۳۹۸ ● شماره مسلسل ۸۳

## مقدمه

در جریان رقابت‌های انتخاباتی یازدهمین دوره ریاست جمهوری در ایران، گفتمان اعتدال به‌عنوان یکی دیگر از تراوش‌های گفتمانی فرا گفتمان مادر (فراگفتمان انقلاب اسلامی) به چیرگی گفتمانی دست یافت. این گفتمان موجب تثبیت معنایی دال‌های شناور موجود در فراگفتمان انقلاب اسلامی به نحوی شد که مفصل‌بندی گفتمانی جدیدی را در خصوص با گره‌گاه کانونی «اعتدال» ایجاد کرد. تثبیت دقیقه‌های گفتمانی حاصل از این روند به تغییر رویکردهای سیاسی، اجتماعی و امنیتی در خصوص دوره‌های گذشته انجامید و به‌ویژه اسباب جابه‌جایی<sup>۱</sup> گفتمان دولت پیشین را فراهم کرد. واکاوی گفتمان چیره در دولت یازدهم و بررسی ابعاد و پیامدهای امنیتی این گفتمان هدف اصلی مطالعه حاضر است. بنابراین با این پرسش‌های اصلی روبرو هستیم که: گره‌گاه کانونی و دقیقه‌های گفتمان دولت یازدهم کدامند؟ و کردارهای تعیین‌یافته برپایه گفتمان دولت یازدهم چه پیامدهایی بر امنیت ملی داشته است؟ در پاسخ به پرسش‌های یادشده فرضیه‌های زیر محور بررسی قرار می‌گیرند:

- گفتمان امنیتی دولت یازدهم بر محور دال برتر «اعتدال» سامان یافته است. رویکرد تعاملی با جهان خارج؛ الگوی هم‌کنشی اعتدالی در داخل؛ الگوی ایرانی-اسلامی توسعه؛ الگوی غیرامنیتی کرانمند در حوزه اجتماعی؛ مهندسی غیرمکانیکی فرهنگی؛ رویکرد تلفیقی- بومی- اقتصادی به امنیت ملی با گرایش نرم‌افزاری؛ الگوسازی ترویجی از جمهوری اسلامی ایران؛ و رویکرد فرهنگی در مقابله با امپریالیسم؛ دقیقه‌های این گفتمان هستند.

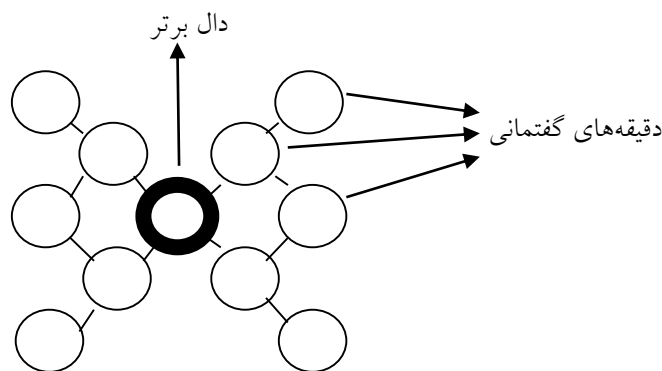
- بررسی‌های اسنادی نشان می‌دهد که برون‌دادهای امنیتی، سیاسی و فرهنگی برآمده از این گفتمان به ارتقای امنیت ملی (نسبت به دوره گذشته) انجامیده، اما دستاوردهای امنیتی آن در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی محل مناقشه است.

سازماندهی مقاله به این صورت است که ابتدا پیمایش خود را با توضیح رویکرد نظری آغاز می‌کند سپس گفتمان «اعتدال» و نحوه مفصل‌بندی آن تشریح می‌شود. پس از آن به

جنبه‌های امنیت ملی این گفتمان پرداخته خواهد شد و در نهایت نیز یک ارزیابی از پیامدهای امنیتی برآمده از رفتارهای تعیین‌یافته در پرتو این گفتمان ارائه می‌شود.

### الف. چارچوب نظری

این پژوهش بنا به سرشت خود از رویکرد «تحلیل گفتمان» بهره می‌گیرد. تحلیل گفتمان<sup>۱</sup> یکی از پیشرفته‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین روش‌های تحلیل در علوم اجتماعی است که کشف معانی ظاهری و مستتر در جریان‌های گفتمانی را مدنظر دارد. «گفتمان» یک مجموعه و ساختار مفصل‌بندی از نشانه‌هاست که حول یک «دال مرکزی» و برتر در حال گردش است. گفتمان، اگرچه مولود متن<sup>۲</sup> است؛ اما تنها در یک زمینه<sup>۳</sup> اجتماعی معنا می‌یابد و بر حسب زمان و مکان تغییر می‌کند. در نتیجه امکان اتصال متن به جامعه فراهم می‌گردد. «دال برتر»<sup>۴</sup> یا «گره‌گاه قانونی»<sup>۵</sup> در مرکز ثقل گفتمان قرار می‌گیرد و سایر عناصر و مفاهیم در حول این مرکز با یکدیگر مفصل‌بندی<sup>۶</sup> می‌شوند (شکل شماره ۱). گفتمان‌ها به‌طور معمول با نام دال برتر خود خوانده می‌شوند (گفتمان اعتدال، گفتمان سازندگی و غیره).



نمودار ۱. شیوه مفصل‌بندی گفتمانی

1. Discourse Analysis
2. Text
3. Context
4. Master Signifier
5. Nodal Point
6. Articulation

عمل مفصل‌بندی، عنصرهای گفتمانی<sup>۱</sup> را به دقیقه<sup>۲</sup> تبدیل می‌کند. هریک از عناصر گفتمانی ممکن است حالتی چند معنایی داشته باشند، اما گفتمان از طریق مفصل‌بندی گفتمانی، آنها را به دقیقه، یعنی به وضعیتی که معنای ثابتی داشته باشند، تبدیل می‌کند (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۱: ۵۹). از این رو، **مفصل‌بندی** عبارت از هرگونه عملی است که رابطه عنصرها را تثبیت می‌کند. کلیت ساختاریافته در نتیجه عمل مفصل‌بندی همان چیزی است که از آن به‌عنوان **گفتمان** یاد می‌کنیم (Laclau & Mouffe, 1985: 22).

در رویکرد گفتمانی سوژه‌ها هویت خود را به‌واسطه ساختارهای گفتمانی کسب می‌کنند. این عمل از طریق ایجاد «هم‌ارزی»<sup>۳</sup> و تفاوت‌گذاری<sup>۴</sup> میان افراد اتفاق می‌افتد. زنجیره هم‌ارزی، افراد دارای ویژگی‌ها، هویت‌ها و رویکردهای مشابه را در کنار هم قرار می‌دهد و تفاوت‌گذاری، به افراد نشان می‌دهد که چه کسانی نیستند و در تقابل با چه هویت‌هایی قرار دارند. به این ترتیب رویکرد گفتمانی در تعارض با نگاه سوپژکتیو که سوژه خودآگاه و خودمختار را منشأ روابط اجتماعی و سازنده نهادها و اشکال اجتماعی میدانند، قرار می‌گیرد (فیروزآبادی و عطایی، ۱۳۹۲: ۹۲). با این حال این نگاه ابژکتیو در رویکرد گفتمانی مطلق نیست و عمل سوژه در ساخت و هژمونیک‌شدن یک گفتمان به رسمیت شناخته می‌شود.

هژمونی شکلی از اعمال گفتمانی است که بر هم‌رأیی و اجماع اغلب نیروهای اجتماعی با یک گفتمان اشاره دارد. یک گفتمان از طریق ارائه اسطوره<sup>۵</sup> و تبدیل آن به تصور اجتماعی<sup>۶</sup> وضعیتی هژمونیک پیدا می‌کنند. اسطوره‌ها به ویژگی‌های طردکنندگی دقیقه‌های گفتمانی (نفی وضع موجود) و ترسیم آینده ایدئال (توانایی غلبه بر بحران‌ها و مشکلات) اشاره دارند (Laclau, 1990: 61). هنگامی که اسطوره‌ها مورد اقبال نیروهای اجتماعی قرار گیرند و هم‌رأیی و اجماع اغلب این نیروها را جلب کنند به تصور اجتماعی تبدیل شده و به وضعیتی هژمونیک دست می‌یابند.

- 
1. Elements
  2. Moment
  3. Equivalence
  4. Difference
  5. Myth
  6. Social Imaginary

هرگفتمان برای هژمونیک شدن به چهار عامل بنیادی نیاز دارد. نخست، «عاملان سیاسی» که کارکرد همه‌فهم‌سازی و همگانی‌سازی اسطوره‌های گفتمانی را برعهده دارند. دوم، «دسترسی»<sup>۱</sup> که عبارت از توانایی گفتمان‌سازان برای در دسترس قرار دادن گفتمان از طریق شبکه‌های تولید و توزیع و منابع زبانی و غیرزبانی است. سوم، «اعتبار»<sup>۲</sup> به معنای سازگاری اصول گفتمانی با اصول بنیادین جامعه و سازگاری آن با خواست‌ها و آرزوهای نیروهای اجتماعی. چهارم، «طرد و برجسته‌سازی»، به مفهوم توانایی گفتمان در برجسته‌سازی نقاط قوت خود و طرد نقاط ضعف و همچنین برجسته‌سازی نقاط ضعف گفتمان‌های رقیب و طرد قوت‌های آنها (فیروزآبادی و عطایی، ۱۳۹۲: ۱۰۰ - ۹۶).

### ب. انتقال هژمونیک گفتمان اعتدال

در جریان یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در ایران، گفتمان اعتدال توانست با به‌کارگیری عوامل بنیادی خود و تبدیل اسطوره‌های گفتمانی‌اش به تصور اجتماعی به هژمونی گفتمانی دست یابد و پیروز انتخابات شود. عاملان سیاسی این گفتمان در مرحله نخست کاندیدای این جریان (حسن روحانی) و جریان‌های سیاسی پشتیبان وی مانند حزب اعتدال و توسعه بودند؛ اما پس از کناره‌گیری کاندیدای جریان اصلاح‌طلب به نفع حسن روحانی و پشتیبانی شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان از وی، این شورا و جریان‌های سیاسی محاط در آن و همچنین نخبگان سیاسی سرشناس و تأثیرگذاری چون محمد خاتمی (رئیس دولت اصلاحات)، اکبر هاشمی رفسنجانی (رئیس وقت مجمع تشخیص مصلحت نظام)، حسن خمینی (نوه بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران) و چهره‌های مذهبی و سیاسی دیگری چون آیت الله یوسف صانعی و علی‌اکبر ناطق نوری در قامت عاملان سیاسی این گفتمان ظاهر شدند. از طریق این کارگزاران سیاسی بود که اسطوره‌های گفتمانی اعتدالی همگانی شده و بازنشر عام پیدا کردند.

رسانه‌ها، احزاب و شبکه‌های مجازی پشتیبان جریان‌های اصلاح‌طلبی و اعتدالی کارکرد تولید و توزیع گفتمانی را برعهده داشتند. گفتمان اعتدال از طریق سخنرانی‌ها و مناظره‌های انتخاباتی، به‌کارگیری شبکه‌های اجتماعی، مطبوعات و رسانه‌های پرطرفدار، هنرمندان مشهور و حضور فعال در دانشگاه‌ها خود را در دسترس عموم قرار داد (Jafari&others, 2018: 157). گفتمان دولت دهم نیز که بازگشتی دوباره (و البته متفاوت) به گفتمان قبض و بسط انقلابی سال‌های آغازین انقلاب اسلامی بود، به‌دلیل ناتوانی در هویت‌بخشی به نیروهای اجتماعی دچار ازجاشدگی گشته بود و گفتمان اعتدال به‌واسطه پشتیبانی شبکه‌های توزیع و تولید خود توانست دال‌های شناور گفتمانی را بر گرد گره‌گاه کانونی خود تثبیت کرده و با جذب نیروهای اجتماعی و سیاسی، اسطوره‌های گفتمانی خود همانند اعتمادسازی و تنش‌زدایی با جهان خارج، رفع تحریم‌ها، حل مشکلات اقتصادی، کاهش جو امنیتی، تأکید بر حقوق شهروندی، پرداختن به مطالبات اقلیت‌های قومی و مذهبی و جز آن را در دسترس نیروهای اجتماعی قرار دهد. دسترسی جامعه به اسطوره‌های پیش‌گفته بسترهای لازم برای شناخت اجتماعی از این گفتمان و گرایش همگانی به آن را فراهم آورد.

سازگاری اصول گفتمانی اعتدالی با خواست‌ها و آرزوهای بخش درخور توجهی از جامعه اسباب چیرگی گفتمانی آن را بر گفتمان‌های رقیب فراهم آورد. افزون بر گفتمان اعتدال، گفتمان‌های هم‌اورد دیگری در کشمکش با گفتمان اعتدالی درصدد هویت‌بخشی و تثبیت معنایی خود برای جلب نیروهای اجتماعی و بهره‌گیری از وضعیت ازجاشدگی گفتمان دولت یازدهم بودند. برخی از کاندیداهای انتخابات ریاست‌جمهوری نماینده این گفتمان‌های رقیب بودند که عرصه انتخاباتی را به رقابتی برای طرد معناهای چندگانه عنصرهای گفتمانی و تثبیت دقیقه‌های گفتمانی خود بدل ساخته بودند. باوجود این، نتایج انتخابات نشان از این داشت که گفتمان اعتدال توانایی هم‌سازی بیشتری با خواست‌های جامعه دارد و این گفتمان با طرد اضافه معناهای رقیب توانست قوام گفتمانی خود را تحقق بخشد.

افزون بر برجسته‌سازی اسطوره‌های گفتمان اعتدال توسط کارگزاران سیاسی و شبکه‌های تولید و توزیع آن، طرد ضعف‌های گفتمان‌های رقیب، به‌ویژه گفتمان دولت دهم، در چیرگی گفتمان اعتدال نقش بارزی ایفا کرد. گفتمان حاکم در دولت دهم با عوامل زوال‌بخشی چون

تحریم‌های گسترده، چالش‌های اقتصادی، امنیتی شدن فضای سیاسی و اجتماعی، نگرش غیرمتعادل به وجه جهانی امنیت ملی و غیره روبرو بود. با توجه به این شرایط، گفتمانی که بیش از دیگران قابلیت تمایزبخشی با گفتمان پیشین را داشت از شانس بیشتری برای پیروزی برخوردار بود (Parvin, 2015: 19). با کناره‌گیری محمدرضا عارف به نفع حسن روحانی و تعلق دیگر رقبا به گفتمان اصول‌گرایی، گفتمان اعتدال بخت بیشتری برای هژمونی پیدا کرد. روحانی با نقد اوضاع اقتصادی، سیاسی و فرهنگی موجود خط فاصلی میان گفتمان خود و این اوضاع کشید و توانست حمایت مخالفان وضعیت موجود را به‌دست آورد (Mirzaei & etc, 2017: 178) از این رو، شبکه‌های پشتیبان و کارگزاران سیاسی گفتمان اعتدال توانستند با برجسته‌سازی و تشریح چاله‌های گفتمانی رقیب در خصوص طرد این گفتمان و سایر گفتمان‌های هم‌پیوند با آن اقدام کرده و سرانجام اسطوره‌های گفتمانی خود را به تصور اجتماعی بدل سازند.

### ج. دقیقه‌های گفتمان اعتدال

گفتمان اعتدال بر پایه تفاوت گرانیگاهی، طرد معانی مسلط و ارائه معانی جدید برای عناصر گفتمانی انقلاب اسلامی و همچنین نقش کارگزاری خود از سایر گفتمان‌های جمهوری اسلامی متمایز می‌شود. قرار گرفتن دال برتر اعتدال در گرانیگاه این گفتمان و گزینش مشی اعتدالی در کردار سیاسی عناصر اصلی این تمایز هستند. رئیس دولت یازدهم چه در جریان رقابت‌های انتخاباتی و چه در برهه‌های مختلف در طول دوران کاری خود ضمن تشریح مفهوم اعتدال، چرایی و چگونگی این رویکرد را تشریح نمود:

استمرار امید و اعتماد مردم، کلید حل مشکلات موجود کشور است. این فضا و فرصت را می‌توان با رویکردهای تعاملی و اعتدالی نگاه داشت. کشور به عزم ملی برای دور شدن از افراط و افراطی‌گری در سیاست‌گذاری و مدیریت و تمرکز بر حاکمیت قانون و قانون‌گرایی، نیاز دارد.

گفتمان و برنامه‌ای که در انتخابات از رأی اکثریت جامعه برخوردار شد، نیز همین بود؛ «اعتدال و تعامل»... که هم دستاوردهای بزرگ انقلاب را پاس می‌دارند... و هم دغدغه وضع خطیر کشور و کاستی‌ها و تنگناهای موجود در شرایط کنونی را دارند. اعتدال مشخصه بارز

فرهنگ ایرانی-اسلامی است. اعتدال به معنای عدول از اصول و محافظه‌کاری در برابر تغییر و تحول نیست. اعتدال رویکردی خردورزانه، فعالانه و صبورانه در جامعه برای دورشدن از ورطه افراط و تفریط است (پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری: ۱۳ مرداد ۱۳۹۲).

با استقرار دال برتر «اعتدال» در مرکز کانونی این گفتمان، سایر دال‌ها و مفاهیم گفتمانی در رابطه با آن تعریف شدند. مهم‌ترین این دال‌ها مربوط به حوزه‌های سیاست خارجی، سیاست داخلی و سیاست‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و امنیتی بودند. در حوزه سیاست خارجی «اعتمادسازی و تعامل‌سازنده با جهان خارج» به یک دقیقه گفتمانی تبدیل شد. مفهوم «تعامل‌سازنده» که در این ارتباط به‌کارگرفته شد بر تحقق منافع ملی و ارتباط مبتنی بر احترام متقابل و عدم دخالت دلالت می‌کرد (Ditto, 2013: 63). از دیدگاه گفتمان اعتدال، تعامل با جامعه جهانی پیوند تنگاتنگی با بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی در ایران دارد. منشأ این دیدگاه باور به تأثیر سیاست خارجی بر مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است.

تفاوت ادبیات به‌کارگرفته شده توسط کارگزاران دولت یازدهم در مقایسه با مسئولان دولت پیش از آن نیز نقش سازنده‌ای در تغییر رویکرد جامعه بین‌الملل به جمهوری اسلامی داشت. این تفاوت گفتمانی را به‌ویژه در تفاوت سخنرانی‌های رئیس دولت یازدهم با رئیس دولت‌های نهم و دهم در مجمع عمومی سازمان ملل می‌توان باز نمود. نکته‌های بنیادی تفاوت گفتمانی در این سخنرانی‌ها در موضوعاتی چون حقوق بشر، حقوق زنان، مسئله فلسطین و برداشت‌های تاریخی از مسائل منطقه‌ای و جهانی مشهود بود (Alemi & etc, 2017: 10).

رتبه‌بندی مفاهیم مورد استفاده حسن روحانی در سخنان وی در طول دوران دولت یازدهم نیز نشان داد که مفاهیمی نظیر مذاکره، توافق و صلح از جمله مفاهیم پرکاربرد در سخنان وی بوده‌اند (Hacker & others, 2017: 16). البته باید توجه داشت که این تغییر لحن در عرصه سیاسی نتیجه درک و تعریف متفاوت از منافع و امنیت ملی بوده است (Haghgo & others, 2017: 249).

این تغییر رویکرد افزون بر باورهای تئوریک و دال‌های گفتمانی در نقش کارگزاری این دولت نیز نمود بارزی داشت. توافق بر سر برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) و نشست‌های مشترک مسئولان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده مهم‌ترین جلوه‌های این امر بود.



جهت‌گیری اعتدالی و تعامل مثبت با نیروهای سیاسی در عرصه داخلی دیگر وجه غالب رویکردی دولت یازدهم بود. در این خصوص می‌توان به چند محور اصلی اشاره داشت. اول، ترکیب کابینه دولت که در عین برخورداری از خصلتی تکنوکراتیک دربرگیرنده نیروهای سیاسی گوناگون بود و افزون بر ویژگی تکنوکراتیک بر اساس پارامترهای مصلحت‌گرایانه نیز انتخاب شده بودند؛ دوم، هم‌کنشی با مسئولان و سران قوا - به‌رغم اتخاذ مواضع ناهمگون در برخی مقاطع و تنش‌زا شدن روابط دولت با دستگاه قضایی و برخی نهادها در پاره‌ای مقاطع؛ سوم، هم‌کنشی با نهادهای سیاسی و نظامی با وجود برخی انتقادهای آشکار. در این باره توجه به دو نکته ممکن است بازگوکننده مشی اعتدالی دولت باشد. اول اینکه، این تنش‌ها از حد و مرز خاصی فراتر نرفت و رنگ و بوی تقابلی (مانند آنچه در دولت دهم شاهد بودیم) به‌خود نگرفت؛ دوم آنکه، لازمه مشی اعتدالی حفظ تعادل و توازن در خصوص نیروهای سیاسی و پرهیز از افراط و تفریط است و همین امر خود ممکن است اسباب برخی نارضایتی‌ها در جریان‌های سیاسی را فراهم آورد.

دال‌های اجتماعی، فرهنگی و امنیتی نیز در پیوند با دال برتر «اعتدال» تعین‌گفتمانی یافتند. در حوزه اجتماعی تلاش شد تا برخی مطالبه‌های اقلیت‌های قومی مرکز توجه قرار گیرد. خواسته‌های اقلیت‌های قومی و مذهبی یکی از موضوعات مهم در مناظره‌ها، سفرهای انتخاباتی و بیانیه‌های حسن روحانی بود. وی در بیانیه شماره ۳ انتخاباتی خود متعهد شد در صورت کسب رأی، اصول قانون اساسی در این زمینه را به‌طور کامل به اجرا گذارد و به مشارکت لازم تمامی اقوام و زبان‌ها؛ واگذاری امور محلی و منطقه‌ای به آنان؛ تدریس زبان مادری در مدارس و دانشگاه‌ها؛ رعایت حقوق پیروان سایر ادیان و مذاهب؛ تغییر نگاه امنیتی به اقوام و فرهنگ‌های ایرانی و واگذاری مسئولیت برنامه‌ریزی و هماهنگی‌های لازم به یکی از معاونین رئیس‌جمهور اقدام کند. اگرچه تمامی این وعده‌ها در دوره چهارساله دولت یازدهم همچنان به واقعیت نپیوستند؛ اما بخشی از آنها مانند تدریس زبان کردی و ترکی در دانشگاه‌ها و برگزاری کلاس‌های آموزش آزاد زبان کردی و ترکی در آموزشگاه‌ها و فرهنگ‌سراها، محقق گردیدند. با این همه توجه به خواسته‌های قومی همچنان به‌عنوان یکی از دقیقه‌های گفتمان اعتدال باقی ماند و سفرهای رئیس‌جمهور دولت به مناطق قومی محور تأکید قرار گرفت.

پرهیز از رفتارهای کنترلی در حوزه اجتماعی و فرهنگی از دیگر عناصر گفتمانی حسن روحانی در مناظره‌های انتخاباتی در سال ۱۳۹۲ و در سخنرانی‌های گوناگون در طول دوره ریاست وی بر دولت یازدهم بود. کاهش حداکثری تصدی دولت در امور اجتماعی و فرهنگی و واگذاری این امور به نظام صنفی، دخالت نکردن در زندگی خصوصی مردم، کاهش جو امنیتی در دانشگاه‌ها، تأکید بر نقش اخلاق در حوزه فرهنگ و کاهش آسیب‌های اجتماعی، تأکید بر فرهنگ غیردولتی، ایجاد فضای امن و آزاد در عرصه فرهنگ و هنر، قانون‌مندشدن ممیزی‌ها، واگذاری ممیزی به اندیشمندان و هنرمندان، از جمله مواردی بودند که در مناسبت‌های گوناگون محور تأکید قرار گرفتند. با وجود این که موضوعاتی نظیر توقف نمایش فیلم‌های سینمایی و لغو کنسرت‌های موسیقی دارای مجوز، انتقادهای فراوانی را از نحوه عملکرد دولت (عدم تلاش مناسب دولت) در سطح جامعه برانگیخت؛ اما روی هم رفته فضای فرهنگی و اجتماعی در دولت یازدهم به نسبت دوره گذشته و در مقایسه با سایر گرایش‌های رقیب بیشتر مورد استقبال جامعه فرهنگی و هنری قرار گرفت. شاهد این مدعا حمایت گسترده هنرمندان از حسن روحانی در جریان انتخابات دوازدهم و پس از پایان دوره چهارساله دولت تدبیر و امید بود.

گفتمان اعتدال به‌رغم باور به مهندسی فرهنگی در خصوص آزادی‌های اجتماعی و سیاسی نیز رویکرد میانه‌روانه‌ای<sup>۱</sup> (Sahragad & Moghadam, 2015: 247) را جلوه‌گر ساخت. از این منظر آزادی بیان، انتقاد و اختلافات سیاسی به‌عنوان ضرورت و رحمت مطرح می‌شد که خطوط قرمزی بر آن متصور است. (روحانی، ۱۳۸۲: ۲۳) از همین روست که مهندسی فرهنگی یکی از دقیقه‌های گفتمان اعتدال است. این گفتمان به امکان و ضرورت مهندسی فرهنگی در جامعه باور دارد؛ اما بر این باور است که این مهندسی فرهنگی نباید خصلتی مکانیکی، آمرانه و از بالا به پایین داشته باشد (روحانی، ۱۳۸۷: ۳۶). نبود تمرکز فرهنگی و مشارکت حوزه عمومی و نهادهای مستقل با رعایت اصل نظارت عالی دولت، محدودیت دخالت دولت به نظارت صرف و دخالت نکردن در تولیدات فرهنگی، دخالت نکردن در جزئیات فرآورده‌های فرهنگی، اعتماد به اهالی فرهنگ و دخالت دادن آنها در تصمیم‌گیری‌ها و تنظیم اولویت‌های

۱. البته در مقایسه رویکردهای رسمی موجود در نظام جمهوری اسلامی زیرا چنانکه برخی تفسیرها تأکید کرده‌اند می‌توان آن را در راستای محافظه‌کاری نیز تعبیر کرد.

فرهنگی متناسب با نیازهای جامعه از عناصر فرایند مهندسی فرهنگی برآمده از این گفتمان است (روحانی، ۱۳۸۶: ۲۵-۲۴).

الگوی توسعه ایرانی - اسلامی الگوی توسعه مد نظر گفتمان اعتدال است. چنان که از آرای حسن روحانی و حلقه همکاران نزدیک وی در کتاب «امنیت ملی و نظام اقتصادی ایران» برمی آید، رویکرد گفتمان اعتدال به توسعه برپایه مفهوم «توسعه انسانی» قرار دارد. به این معنا که ضمن تأکید بر رشد اقتصادی و توزیع عادلانه ثروت به عنوان الزامات توسعه، سنگ بنای توسعه را امکان شکوفایی توانایی‌های افراد تلقی می‌کند. از این منظر وجود آزادی‌های سیاسی، امکان بهره‌مندی از منابع اقتصادی، برخورداری از فرصت‌های اجتماعی (آموزش و بهداشت)، دسترسی همگانی به اطلاعات و وجود نظام‌های حمایتی (تأمین اجتماعی و غیره) ضرورت دارد. وجه تمایز الگوی توسعه مد نظر گفتمان اعتدال از نظریه‌پردازان توسعه انسانی، مرکزیت جهان‌بینی و انسان‌شناسی اسلامی به عنوان رکن فرهنگی توسعه است (روحانی، ۱۳۸۹: ۷۹۱). وجه تسمیه الگوی توسعه ایرانی - اسلامی مدنظر این گفتمان از این ویژگی و همچنین توجه به فرهنگ و مقتضیات بومی ناشی می‌شود. به این ترتیب توسعه به عنوان فرایندی از تحقق جامعه آرمانی با عطف به آرمان‌های انقلاب اسلامی تعریف می‌شود (روحانی، ۱۳۸۹: ۷۷۱).

روحانی و حلقه نخستین همکاران وی آرای مکتب‌های نهادگرا و نوکینزی را با الگوی مطلوب توسعه در جمهوری اسلامی دارای هم‌خوانی می‌دانند. آنها بر این باورند که اجزای الگوی مطلوب توسعه از منظر اسناد فرادستی نظام جمهوری اسلامی (همانند قانون اساسی، سند چشم‌انداز، برنامه‌های توسعه) با اجزای الگوی مطلوب توسعه از منظر نهادگرایان و نوکینزین‌ها با یکدیگر انطباق دارند. براین اساس مؤلفه‌هایی چون حاکمیت فراگیر قانون، رفع انحصار، گسترش رقابت اقتصادی برپایه نظام بازار، تضمین حقوق مالکیت، پاسخگویی ساختار حکمرانی، نقش دولت در جبران کاستی‌های بازار، شفافیت اطلاعات، تعامل با اقتصاد جهانی و ترکیب خردمندانه دولت و بازارشاخصه‌های تأکیدشده گفتمان اعتدال هستند (روحانی، ۱۳۸۹: ۷۸۵).

رویکرد گفتمان اعتدال به مبحث قدرت ملی دوری‌جستن از نگاه امنیتی به این مقوله و دستیابی به قدرت ملی در سایه ثروت ملی است. از این زاویه جمهوری اسلامی به عنوان کشوری که همواره در معرض تهدید و تضعیف است نباید نگاه امنیتی بیش از اندازه به قدرت

ملی داشته باشد و باید به فرایندهای اقتصادی و ثروت ملی در تحقق قدرت ملی به‌عنوان یک اولویت بیشتر توجه کند. برای تغییر این وضعیت باید نگاه امنیتی جهان خارج به ایران تغییر کند و فضای ایران در روابط بین‌الملل باید از فضای امنیتی خارج و به فضای سیاسی سپس فضای اقتصادی تبدیل شود:

اساس بحث این است که کشوری که همچنان در معرض تهدید و تضعیف است، باید در پی قدرت باشد یا اینکه قدرت ملی در سایه ثروت ملی به‌دست خواهد آمد و این ثروت ملی است که قدرت ملی را می‌سازد و با پررنگ‌دیدن قدرت ملی به راحتی و به‌سرعت به ثروت ملی نمی‌رسیم... همه قبول داریم که هم به قدرت ملی و هم به ثروت ملی نیاز داریم، اما بحث اولویت است که کدام یک در شرایط فعلی دارای اولویت می‌باشند... (روحانی، ۱۳۸۵: ۱۱).

از جنبه امنیت ملی هر دو بعد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری امنیت جایگاه ویژه خود را در گفتمان اعتدال دارا هستند. البته این رویکرد گفتمانی با توجه به تحولات جهانی، گسترش پدیده جهانی شدن و کاسته شدن از نقش سخت‌افزار، نقش اول را از آن جنبه نرم‌افزاری امنیت می‌داند و بر مؤلفه‌هایی چون مشروعیت، مسئولیت‌پذیری، رفاه، فرهنگ، افکار عمومی و نظارت و کنترل بر سیاست‌ها و عملکرد حکومت تأکید می‌کند؛ از این رو، مسائل نوینی چون بحث شکاف‌های اجتماعی، میزان تحمل‌پذیری جامعه و رعایت قواعد بازی در مرکز توجه قرار می‌گیرند و به مسائلی چون تعداد نفرات نیروهای انتظامی و امنیتی، امکانات و کیفیت آنها در وهله بعدی پرداخته می‌شود (روحانی، ۱۳۸۰: ۱۱). با وجود این بی‌توجهی به مقوله سخت‌افزاری امنیت نیز یک خطای راهبردی تلقی شده و افزایش توان نیروهای نظامی و امنیتی جایگاه بایسته خود را داراست. در خصوص برنامه‌ریزی‌های امنیتی نیز استفاده مدل‌های بومی مورد تأکید قرار گرفته و تقلید از مدل‌های جوامع پیشرفته که متناسب با روابط اجتماعی، خانوادگی و شرایط محیطی، آموزشی و فرهنگی متفاوتی طراحی شده‌اند، جایز شمرده نمی‌شوند (روحانی، ۱۳۸۰: ۲۲).

گفتمان اعتدالی بنا به سرشت اعتدالی خود و همچنین برپایه تحولات تاریخی، مقتضیات حکمرانی و دگرگونی طبقاتی حاکمیت، بازآفرینی جدیدی از برخی عناصر گفتمانی فراگفتمان مادر (گفتمان انقلاب اسلامی) نظیر حکومت دینی، صدور انقلاب، استکبارستیزی و

خودکفایی اقتصادی و غرب‌ستیزی ارائه کرد. ارزش‌های اسلامی و تأکید بر حکومت دینی با رویکردی نوین همچنان در گرانگه گفتمان سیاسی اعتدال قرار داشتند:

آنچه در اغلب نظریه‌های مرسوم روابط بین‌الملل می‌بینیم، پذیرفتن این مفروض است که ماهیت دولت، سکولار است... فرض می‌شود دولت، وظیفه‌ای در قبال دین مردم ندارد و موظف است به‌عنوان نهادی که توسط مردم برگزیده می‌شود، در خدمت رفاه و آسایش مردم آن جامعه باشد. قرار نیست دولت راه و چاه را به مردم نشان دهد. دولت دینی درست با نقض این مفروض اصلی نظریه‌های غربی کار خود را آغاز می‌کند. اگر دولت، ابزاری است از جانب مردم و برای مردم و مردم نیز گرایش‌های دینی دارند، لاجرم دولت نمی‌تواند به مقولات دینی مانند عدالت، رهایی، برابری و نظیر این‌ها بی‌تفاوت باشد (روحانی، ۱۳۸۸: ۲۴).

برپایه این دیدگاه صدور انقلاب اسلامی از طریق ترویج اصول و ارزش‌های اسلامی و انسانی، در قالبی فرهنگی و در فرایند الگوسازی از حکومت اسلامی به‌عنوان یک حکومت مدرن و توسعه‌یافته پیگیری می‌شود:

... در شرایط ایدئال، دولت دینی مقولات عدالت، رهایی از ظلم و بهره‌وری و برابری را فقط برای مردم و اتباع خود نمی‌خواهد. بنابراین، در روند جهانی شدن، چالش ما به‌عنوان امت اسلامی آن است که اصول و ارزش‌های اسلامی و انسانی خود را بهتر عرضه نماییم و در بوته رقابت با اصول و ارزش‌های ناشی از سکولاریسم قرار دهیم... (روحانی، ۱۳۸۸: ۲۶).

اگر ایران به کشوری مدرن و توسعه‌یافته تبدیل شود؛ الگویی برای همه مسلمانان خواهد بود و ناقض دیدگاه‌های اشتباه در خصوص اسلام است... [که بر این باور است که]... اسلام نمی‌تواند جامعه را اداره کند و فرهنگ مذهبی قادر به ساختن یک جامعه توسعه‌یافته نیست... (Ditto, 2013: 65).

استکبارستیزی نیز وجهی فرهنگی پیدا کرد و در قالب مقابله با امپریالیسم فرهنگی که تهدیدی اساسی برای امنیت ملی است مورد ملاحظه قرار گرفت:

... وقتی بیگانگان از طریق تکنولوژی ارتباطات قصد نفوذ بر افکار و فرهنگ ملی کشوری را دارند در واقع اقتدار و امنیت ملی آن کشور را هدف قرار داده‌اند و از طریق شیوه‌ای کاملاً نرم‌افزاری به همان اهدافی می‌رسند که در قرن‌های گذشته با تاکتیک‌های نظامی حاصل می‌شد... (روحانی، ۱۳۸۷: ۹).

... در دنیای امروز همچنان که هجوم دشمنان فقط نظامی نیست، مقابله با دشمن یا دشمنان یا رقیبان نیز فقط دفاعی نظامی نیست؛ بلکه دفاعی فرهنگی، هویتی و توسعه‌ای خواهد بود... (روحانی، ۱۳۸۷: ۸).

راهکار مقابله با این پدیده نیز راهکاری فرهنگی است که بر دوپایه اصلی استوار است اول، خروج فرهنگ بومی از رکود و تلاش برای زایش فرهنگی؛ دوم، هماهنگی با مقتضیات جدید: فرهنگ‌های ملی در صورت مولد و زایابودن و هماهنگ‌شدن اخلاق و نظریه‌های دینی آنها با مقتضیات جدید می‌توانند به حیات خویش ادامه داده و در تلاقی با فرهنگ‌های جهانی و منطقه‌ای بر عمر خویش بیفزایند. ولی اگر یک فرهنگ ملی در حال رکود و رخوت باشد، فرهنگ جهانی تنها باعث نمودارشدن این رکود و رخوت می‌شود و نه بیشتر. گناه انحطاط یک فرهنگ را نمی‌توان صرفاً بر عهده فرهنگ‌های دیگر نهاد (روحانی، ۱۳۸۷: ۳۰).

درکنار ارزش‌های اسلامی و تلقی دینی از حکومت، جمهوریت و رجوع به خواست عمومی نیز هسته دیگر ثقل گفتمانی اعتدال را تشکیل داد. به سخن دیگر اگرچه اسلام‌گرایی در گفتمان قبض و بسط انقلابی در سال‌های اولیه انقلاب (بعد از کناره‌گیری دولت موقت) از گرانس بیشتر بر خوردار بود؛ اما گفتمان اعتدال با رویکردی واقع‌گرایانه این هردو را با گرانسی یکسان در مرکز ثقل گفتمانی خود قرار داد. توجه به ابعاد راهبردی مقبولیت نظام سیاسی و ضرورت‌های مشارکت عمومی، بنیادهای فکری رویکرد به این اعتدال گرانسی بود. رئیس دولت یازدهم در یک سخنرانی که بیش از یک دهه قبل از ریاستش بر قوه مجریه ایراد کرد از مشروعیت به‌عنوان مهم‌ترین چالش پیش‌روی نظام جمهوری اسلامی یاد کرد (روحانی، ۱۳۷۹: ۷). وی ضمن تأکید بر بنیاد الهی مشروعیت حکومت اسلامی بر لزوم پیروی از آرا و خواست مردم تأکید کرد و به تشریح ضرورت این امر برپایه آموزه‌های دینی بنیان‌گذار جمهوری اسلامی پرداخت. بر این اساس وی مشروعیت نظام جمهوری اسلامی ایران را مشروعیتی مرکب تلقی کرد که درکنار مشروعیت الهی، مقبولیت مردمی را نیز کانون توجه قرار داده است. به این بیان که مشروعیت یک نظام به‌لحاظ قانونی و دینی مشروعیت اولیه است که باید توسط مشروعیت ثانویه که برآمدی از کارایی و کارآمدی حکومت است مورد تأیید قرار گیرد (روحانی، ۱۳۷۹: ۱۲).

وجه دیگر توجه به جمهوریت در گفتمان اعتدال برخاسته از درک ضرورت مشارکت سیاسی است. از منظر این گفتمان مشارکت عمومی در کنار همبستگی ملی دو هدفی است که

به‌عنوان استراتژی اساسی و برنامه عمل در سطح حکومت‌ها مرکز توجه است (روحانی، ۱۳۸۴: ۸). البته منظور از مشارکت حضور مستمر و تأثیرگذار افراد جامعه در تصمیم‌گیری‌ها، تصمیم‌سازی‌ها و تعیین خط‌مشی‌ها در تمامی صحنه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و غیره است که عامل اصلی آن احساس مالکیت مردم است و تنها به انتخابات و مشارکت مقطعی محدود نیست (روحانی، ۱۳۸۴: ۱۲). ضرورت مشارکت سیاسی و توجه به ثقل گفتمانی جمهوریت در کنار اسلام بیانگر ویژگی اوربیتالی دال مرکزی اعتدال است که مشتمل بر مدرنیسم مشارکتی و تئوکراسی است و هم‌سنگی این دو بازنمود اعتدالی آن است. استقلال اقتصادی و تکیه بر توانایی‌های داخلی اقتصاد که از دقیقه‌های گفتمانی انقلاب اسلامی است، به‌صورت تأکید بر الگوی بومی توسعه اقتصادی در گفتمان اعتدال مبتلور شده است:

در حوزه اقتصاد، چه بسا اکثر شاخص‌های کلاسیک بتوانند مفید و محل توجه باشند. آنچه زمینه‌گرایی، آن را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد؛ توجه به درجه انطباق نظریه‌های اقتصادی و دیدگاه‌هایی است که در محیط‌های دیگر و بیشتر غربی به آزمون درآمده و چه بسا برای جامعه ما مفید و مؤثر نباشند. از این رو، تدارک الگوی بومی پیشرفت منطبق با اقتضانات اقتصادی جامعه ایرانی، ضرورت می‌یابد (روحانی، ۱۳۸۹: ۳۱).

نمودار شماره ۲ برای نشان‌دادن عناصر گفتمانی اعتدال مورد طراحی این پژوهش قرار گرفته است. این گفتمان دارای یک گرانیگاه دوهسته‌ای است. گرانیگاه این گفتمان را دال برتر اعتدال و هسته‌های آن را حکومت دینی (تئوکراسی) و مدرنیسم مشارکتی مبتنی بر مشروعیت ثانویه تشکیل می‌دهند. رویکرد تعاملی با جهان خارج؛ الگوی هم‌کنشی اعتدالی در داخل (مبتنی بر تکنوکراسی، کابینه توازنی و هم‌کنشی مثبت با نهادها و قوای حاکمیتی)؛ الگوی غیرامنیتی کرانمند در حوزه اجتماعی (برخاسته از نگاه کرانمند به حقوق شهروندی و متمایل به تغییر دیدگاه امنیتی به اقوام و مذاهب به نگاه مشارکتی)؛ مهندسی غیرمکانیکی فرهنگ (با تأکید بر صنف‌گرایی فرهنگی، فرهنگ غیردولتی و غیرکنترلی و کاهش نقش دولت به نقش نظارتی)؛ رویکرد تلفیقی - بومی - اقتصادی به امنیت ملی با گرایش نرم‌افزاری (توجه توأمان به سخت‌افزار و نرم‌افزار با اولویت نرم‌افزار، توجه به مدل‌های بومی امنیت و نگرش به قدرت

ملی در سایه ثروت ملی)؛ الگوسازی ترویجی از جمهوری اسلامی ایران برای صدور انقلاب؛ و رویکرد فرهنگی در مقابله با امپریالیسم؛ دقیقه‌های این گفتمان را تشکیل می‌دهند.



نمودار ۲. دقیقه‌های گفتمان اعتدال

#### د. گفتمان اعتدال و امنیت ملی

گفتمان اعتدال پس از استقرار هژمونیک باید در مقام اجرا با تحقق عینی دقیقه‌های گفتمانی شکاف میان عرصه گفتمان و عرصه پراتیک را از میان برمی‌داشت تا مانع شکاف جامعه و حاکمیت و زیان امنیت ملی شود. از این زاویه باید پیامدهای گفتمان اعتدال بر امنیت ملی را کانون توجه قرار داد. این تحلیل را باید در سه گام پی گرفت. در اولین گام باید پیوند میان تعریف امنیت ملی (ارائه شده در بخش تعاریف) و ابعاد پنج‌گانه امنیت ملی را نشان داد. همان‌گونه که در بخش تعاریف متذکر شدیم امنیت ملی را به‌طور کلی می‌توان دارای ابعادی پنج‌گانه دانست که شامل امنیت نظامی، امنیت سیاسی، امنیت اقتصادی، امنیت اجتماعی و

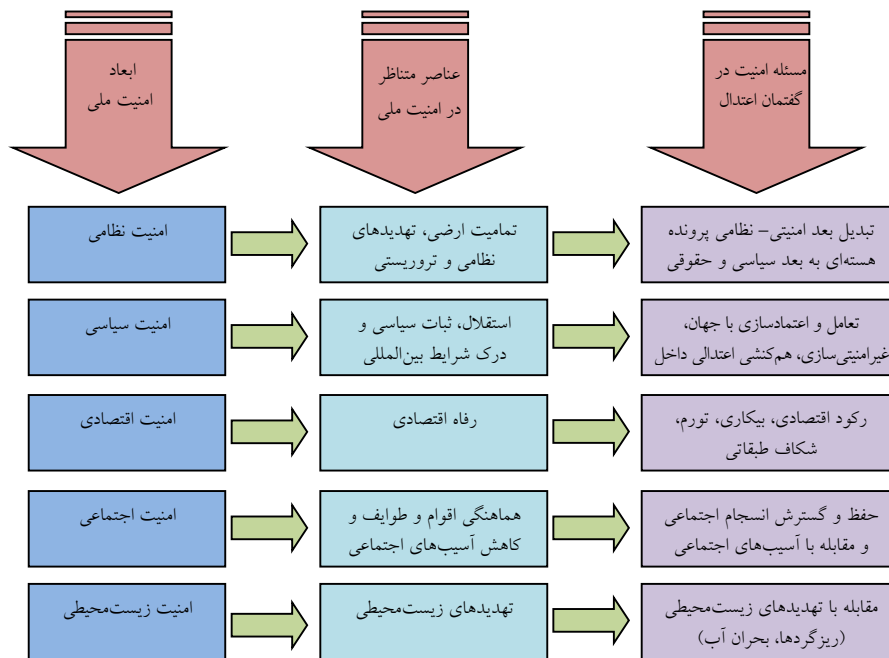


امنیت زیست‌محیطی می‌شود. بنابراین، تمامیت ارضی در حیطه امنیت نظامی؛ استقلال، ثبات سیاسی و درک شرایط بین‌المللی در حوزه امنیت سیاسی؛ رفاه اقتصادی در بخش امنیت اقتصادی؛ هماهنگی اقوام و طوایف و آسیب‌های اجتماعی در ذیل امنیت اجتماعی و تهدیدهای زیست‌محیطی در محدوده امنیت زیست‌محیطی قرار می‌گیرند. مسائلی چون بقای ارگانیک مردم نیز ممکن است در هم‌پیوندی با تمامی تهدیدهای پنج‌گانه قرار گیرد (نمودار ۳). البته سایر مقولات امنیت ملی نیز به‌طور خالص منحصر به یکی از تهدیدهای پنج‌گانه نیست. بنابراین باید در نظر داشت که این تقسیم‌بندی به‌علت شفاف‌تری بودن بحث تاحدودی با تسامح و بر اساس نزدیکی سرشت هر یک از مقولات ارائه‌شده در تعریف امنیت ملی به تهدیدهای پنج‌گانه صورت گرفته است.

گام دوم شناسایی مسئله، ابزار و مرجع در گفتمان اعتدال و همچنین شناسایی ارتباط آنها با مقولات امنیتی تفکیک‌شده در بخش‌های پنج‌گانه است. بر این اساس تبدیل بعد امنیتی - نظامی پرونده هسته‌ای به بعد سیاسی و حقوقی؛ اعتمادسازی با جهان خارج، گسترش روابط بین‌المللی، کاهش فضای امنیتی و ایجاد هم‌کنشی اعتدالی در در داخل؛ خروج از رکود اقتصادی، کاهش تورم و برداشتن تحریم‌های اقتصادی؛ حفظ و گسترش انسجام اجتماعی و مقابله با آسیب‌های اجتماعی؛ مقابله با تهدیدهای زیست‌محیطی؛ به‌ترتیب در تناظر با ابعاد نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی امنیت قرار می‌گیرند و به‌عنوان مسئله امنیت در دولت یازدهم تعریف می‌شوند (نمودار ۳).

باتوجه به دقیقه‌های گفتمان اعتدال می‌توان این برداشت را داشت که مرجع امنیت از دیدگاه این گفتمان دولت و مردم هستند. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد حفظ نظام به‌عنوان هدف محوری توسط گفتمان اعتدال مورد تأکید قرار گرفته است. تمامی دقیقه‌های گفتمانی اعتدال (نمودار ۲) نیز در همین راستا تفسیرپذیر هستند. از آنجاکه در شرایط کنونی نظام جمهوری اسلامی با مفهوم دولت در معنای گسترده آن (مبتنی بر عناصر چهارگانه حاکمیت، حکومت، جمعیت و سرزمین) پیوندی ارگانیک دارد از این‌رو، در مرجعیت دولت در رویکرد گفتمان مذکور تردیدی نیست. اگرچه با نگاهی بدبینانه رویکرد نرم‌افزاری گفتمان اعتدال به مردم را نیز می‌توان در قالب حفظ دولت تعبیر کرد؛ اما از آنجاکه مبنای تحلیل ما گفتمانی است

و باید بر پایه دقایقه‌های گفتمانی (و نه نیت‌های ناپیدا و اثبات‌ناپذیر) نتیجه‌گیری کنیم پس به لحاظ تأکیدهای گفتمانی اعتدال بر مقولاتی چون مشروعیت، حقوق شهروندی، مشارکت، حقوق اقوام و اقلیت‌ها و غیره و همچنین قرارگرفتن جمهوریت و رجوع به خواست عمومی در هسته گرانیگاهی این گفتمان باید مردم را نیز به‌عنوان مرجع دیگر گفتمان مذکور در نظر گرفت. بنابراین باید چنین نتیجه گرفت که دولت و مردم مراجع امنیت در گفتمان اعتدال هستند.



نمودار ۳. پیوند میان تعریف امنیت ملی، ابعاد پنج‌گانه امنیت ملی و مسئله امنیت در گفتمان اعتدال

چنان‌که آمد گفتمان اعتدال برای مقابله با این تهدیدها بر هردو وجه نرم‌افزای و سخت‌افزای امنیت تأکید دارد و از این‌رو، ابزار امنیت بر هردوی این وجوه (البته با گرایش بیشتر به نرم‌افزار) استوار است. با این تفاسیر مسئله، ابزار، و مرجع امنیت در قالب گفتمان اعتدال و کنش با واقعیات اجتماعی و سیاسی و مسائل مترتب بر جامعه به‌صورت جدول زیر تصویر می‌شود:

جدول ۱. مسئله، ابزار و مرجع امنیت در قالب گفتمان اعتدال

ابزار امنیت	مسئله امنیت	مرجع امنیت
سخت‌افزار + نرم‌افزار (با گرایش بیشتر به ابعاد نرم‌افزاری امنیت ملی)	۱. تبدیل بعد امنیتی - نظامی پرونده هسته‌ای به بعد سیاسی و حقوقی؛ ۲. اعتمادسازی با جهان خارج، گسترش روابط بین‌المللی، کاهش فضای امنیتی و ایجاد هم‌کنشی اعتدالی در داخل؛ ۳. خروج از رکود اقتصادی، کاهش تورم و برداشتن تحریم‌های اقتصادی؛ ۴. حفظ و گسترش انسجام اجتماعی و مقابله با آسیب‌های اجتماعی؛ ۵. مقابله با تهدیدهای زیست‌محیطی.	دولت و مردم

گام سوم و نهایی، تحلیل پیامدهای گفتمان اعتدال باتوجه به بروز عینی و وجوه عملیاتی آن بر امنیت است. این گام را با بررسی پیامدهای گفتمان اعتدال بر امنیت ملی در قالب مراحل پنج‌گانه امنیت پی می‌گیریم.

### ۱. امنیت نظامی

مهم‌ترین دستاوردهای گفتمان اعتدال در عرصه امنیت نظامی برپایه نتایج حاصل از برجام درخور تبیین است. در نتیجه به‌کارگیری دیپلماسی تهاجمی در دوران دولت‌های نهم و دهم، بعد حقوقی - فنی پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران ابعادی سیاسی - نظامی به‌خود گرفت (رحیمی، ۱۳۹۳: ۵۵). مذاکرات هسته‌ای دولت یازدهم که در نهایت به برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) منجر شد، این پرونده را از وجه سیاسی - نظامی خود خارج و به فاز سیاسی - حقوقی وارد کرد. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این تغییر فاز خروج جمهوری اسلامی ایران از شمول قطعنامه‌های فصل هفتم منشور ملل بود. باتوجه به اینکه کشورهای مشمول این فصل کشورهایایی هستند که از نظر شورای امنیت سازمان ملل صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره

انداخته‌اند و در عمل نیز همه کشورهای مشمول این قطعنامه‌ها با عقب‌گرد بنیادی از مواضع خود یا با تغییر رژیم مواجه شده بودند؛ از این رو، خروج از این شمول بدون احتراز از اصول، دستاورد امنیتی مهمی برای جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رفت (بلوجی، ۱۳۹۵: ۵۰۲).  
تحقق برجام علاوه بر خروج از شمول قطعنامه‌های فصل هفتم منشور ملل دستاوردهای نظامی زیر را نیز به همراه داشت:

۱. کم‌رنگ‌ساختن تهدیدهای مداوم نظامی مقامات آمریکایی و کشورهای هم‌سود؛
۲. تقویت توان دفاعی نیروهای مسلح از طریق فراهم‌شدن امکاناتی تازه برای نوسازی تجهیزات، دستیابی به تکنولوژی‌های نوین‌تر (مانند سامانه دفاعی اس ۳۰۰)، تأمین قطعات یدکی و افزایش بودجه دفاعی؛
۳. رفع تحریم‌های افراد و مؤسسات فعال در حوزه دفاعی و ایجاد امکان انجام پروژه‌های مشترک و همکاری نظامی با سایر کشورها؛
۴. تغییر موازنه قدرت منطقه‌ای به نفع ایران؛
۵. ایجاد عرصه‌ای فراخ‌تر برای توسعه توانمندی موشک‌های بالستیک که قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای ندارند (بلوجی، ۱۳۹۵: ۴۹۴).

اگرچه قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت برخی تحریم‌های نظامی جمهوری اسلامی ایران را با قید محدودیت زمانی پابرجا نگه‌داشت؛ اما با توجه به آنکه بین سال‌های ۲۰۰۶م. تا ۲۰۱۰م. پنج قطعنامه مختلف از سوی شورای امنیت سازمان ملل در خصوص تحریم تسلیحاتی ایران صادر شد که عرصه‌هایی چون انتقال کالا و خدمات دارای کاربری دوگانه، آموزش، صادرات و واردات تسلیحات، حمایت مالی، مشاوره، خدمات و تحریم افراد حقیقی و حقوقی و نهادهای نظامی را دربرمی‌گرفت (عابدینی، ۱۳۹۵: ۵۱۹ و ۵۱۸)؛ کاهش تحریم‌های مذکور و قید محدودیت زمانی بر سایر تحریم‌ها یک دستاورد مهم نظامی بود.

## ۲. امنیت سیاسی

تحلیل عملکرد دولت یازدهم در عرصه امنیت سیاسی را در دو بخش داخلی و خارجی باید پی گرفت. از آنجاکه در طول دوره حاکمیت دولت یازدهم استقلال و تمامیت ارضی در ایران با

تهدید جدی روبرو نبوده است از این رو، ثبات سیاسی در داخل و دفع تهدیدهای بیرونی مهم‌ترین نیازهای امنیت سیاسی در این دوران بوده‌اند:

## ۲-۱. ثبات سیاسی در داخل

باتوجه به این نکته که یکی از کارویژه‌های مشی برهم‌کنشی اعتدالی معطوف به ثبات سازمانی دولت، سیستم حکومتی و ایدئولوژی مشروعیت‌بخش نظام سیاسی بوده است، وجه عملی گفتمان اعتدال در عرصه داخلی از چهار زاویه درخور بررسی است: اول، رویکرد عموم جامعه به حکومت؛ دوم، مناسبات با سایر جریان‌های حکومتی و نهادهای حاکمیتی؛ سوم، فعالیت گروه‌های تروریستی و برانداز؛ چهارم، کنشگری اپوزیسیون.

چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد دولت یازدهم در طول دوران چهارساله خود از اقبال عمومی مناسبی برخوردار بود. فرایند پیروزی حسن روحانی در انتخابات و شرایط سیاسی متعاقب آن چنان بود که برخی تحلیلگران غربی اذعان کردند که ایران، برخلاف وضعیت کشورهای عربی در سال ۲۰۱۱ در جریان بهار عربی، در وضعیت انقلابی قرار ندارد (Selvik, 2013: 4). اقبال دوباره مردم به گفتمان اعتدال در دوازدهمین انتخابات ریاست جمهوری نیز که به پیروزی مجدد حسن روحانی با درصد آرای بیشتر نسبت به دوره پیشین همراه بود نشان از تداوم این امر داشت. معنای آن کاهش شکاف جامعه و حکومت و افزایش ضریب امنیت ملی از این راه بود.

مناسبات میان دولت یازدهم با سایر قوا و نهادهای حاکمیتی و نظامی - امنیتی با تنش‌های متعددی همراه بود؛ اما هیچ‌گاه به سطح تقابل‌های نهادی دولت دهم، مانند پخش فایبل تصویری در مجلس، خانه‌نشینی چندروزه و براءت گروه‌های اصول‌گرا از آنچه جریان انحرافی خوانده شد، نرسید. پدیده‌هایی با خصلت افشاگرانه نظیر پرداخت‌های غیرمعارف به مدیران دولتی، واگذاری املاک شهرداری، حساب مالی قوه قضاییه، کمک‌های مالی به ستاد انتخاباتی دولت، رسانه‌ای شدن محتوای کمیسیون محرمانه مجلس با وزیر خارجه، لغو برخی سخنرانی‌ها و کنسرت‌های موسیقی و غیره، مهم‌ترین رویدادهایی بودند که به تنش‌هایی میان دولت با دستگاه قضایی، مجلس شورای اسلامی، شهرداری و جریان‌های اصول‌گرا دامن زدند. تلاش آگاهانه برای کشاندن آنها به عرصه عمومی، آن هم نه از طریق رسانه‌ها، بلکه به واسطه نخبگان سیاسی مسئول،

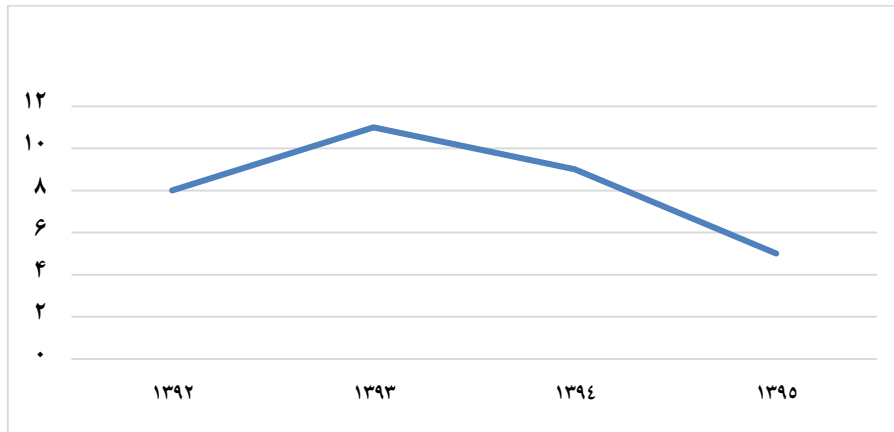
پدیده به نسبت تازه‌ای بود که در صحنه سیاسی کشور رخ داد. در ضمن سیاست خارجی و کنش هسته‌ای دولت یازدهم و همچنین تلاش‌های این دولت برای گشایش بیشتر در امور سیاسی و اجتماعی مورد تأیید برخی منتقدان پرنفوذ نبود و از منظر برخی تحلیلگران خارجی این امر به شکنندگی وضعیت حمایت از دولت انجامید (Giles, 2015: 35) ولی شیوه هم‌کنشی اعتدالی دولت مانع تبدیل تنش‌ها به بحران‌های امنیتی شد؛ با وجود این، نارسایی گفتمان اعتدال در تحقق دقیقه‌های گفتمانی را در برخی عرصه‌ها نشان داد. بروز و ظهور پدیده‌های افشاگرانه و تنش‌های متعاقب آنها بیانگر آن بود که دولت در برگرفتن راهکارهای متناسب با عناصر گفتمانی خود همانند زدایش ساختارهای غیرشفاف، تقویت نهادهای نظارتی جامعه‌مدنی و گسترش جریان آزاد اطلاعات، کامیابی تمام و کمالی نداشته است.

به لحاظ کنترل تهدیدهای تروریستی نیز دولت یازدهم کارنامه به نسبت درخور قبولی داشت. جدول شماره ۳ تعداد عملیات تروریستی به وقوع پیوسته بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۵ شمسی را به تفکیک استان‌های محل وقوع نشان می‌دهند و نمودار شماره ۴ نیز نشان‌دهنده روند کلی وقوع عملیات تروریستی در کشور بین سال‌های پیش‌گفته است. همان‌گونه که از نمودار پیداست عملیات تروریستی پس از یک دوره افزایش بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۳، بین سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۵ ش. روندی کاهشی داشته است که این امر گزاره یادشده درخصوص افزایش توانمندی و هماهنگی نیروهای امنیتی کشور را تأیید می‌کند (البته در این خصوص باید کیفیت عملیات تروریستی را نیز در نظر گرفت که به دلیل ناهمگونی منابع مختلف در ارائه آمار مربوط به تلفات اقدامات تروریستی نمی‌توان برداشت صحیحی را در این خصوص ارائه کرد).

جدول ۳. عملیات تروریستی به وقوع پیوسته بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۵

سال وقوع عملیات تروریستی				مکان وقوع عملیات تروریستی
۱۳۹۵	۱۳۹۴	۱۳۹۳	۱۳۹۲	
۲	۴	۱۱	۵	بلوچستان
۳	۳	-	۳	کردستان
-	۲	-	-	خوزستان
۵	۹	۱۱	۸	مجموع

منبع: سالنمای امنیت ملی؛ شماره‌های ۲، ۳، ۴، ۵ و ۶



نمودار ۴. روند کلی وقوع عملیات تروریستی در کشور بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۵ ش.

منبع: سالنامه امنیت ملی؛ شماره‌های ۲، ۳، ۴، ۵ و ۶

نمود پراکتیکال گفتمان اعتدال در مواجهه با اپوزیسیون خارج‌نشین را باید در دو دوره متفاوت بررسی کرد. تا پیش از روی کار آمدن دولت ترامپ در ایالات متحده، گفتمان اعتدال، به‌ویژه دقیقه‌های بین‌المللی، فرهنگی و اجتماعی (حقوق بشری، قومی و غیره) آن سطح کنشگری اپوزیسیون خارج‌نشین جمهوری اسلامی ایران را تا اندازه زیادی کاهش داد. اقبال عمومی به مشارکت در یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری پروژه هم‌گرایی و آلترناتیوسازی (ایجاد دولت در تبعید و غیره) اپوزیسیون و همچنین دستورکار تحریم انتخابات را با شکست مواجه کرد. آغاز مذاکرات هسته‌ای و حصول توافق با کشورهای ۵+۱ جریان‌های اپوزیسیون را از متن میدان کنشگری سیاسی به حاشیه راند و حتی برخی از این گروه‌ها را به هم‌سوئی با مذاکرات هسته‌ای و لغو تحریم‌ها سوق داد (سالنامه امنیت ملی، ۱۳۹۲: ۵۵). گفتگوهای مستقیم وزرای خارجه ایران و ایالات متحده نیز تلاش‌های اپوزیسیون برای ایجاد شکاف میان این دو کشور و بهره‌برداری از این شکاف را خنثی کرد. پیامد این روند ورود جریان‌های اپوزیسیون به دوره‌ای از بی‌عملی و درغلطیدن به سیاست صبر و انتظار بود که حتی در فعالیت رسانه‌ای آنها و گرایش رسانه‌های غربی به آنها نیز بازتاب پیدا کرد؛ به‌گونه‌ای که برخی از رسانه‌های آنها تعطیل یا کم‌کار شدند و حضور اعضای این جریان‌ها در رسانه‌های

فارسی‌زبان غربی نیز کاهش پیدا کرد (سالنمای امنیت ملی، ۱۳۹۳: ۵۴). برجام به‌نوعی به معنای شناسایی جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی و پایان پروژه براندازی و سرمایه‌گذاری غرب در این زمینه بود. همین مسئله در کنار حمایت عمومی از دولت یازدهم انفعال اپوزیسیون خارج‌نشین و ناکارایی آن برای قدرت‌های جهانی را رقم زد (سالنمای امنیت ملی، ۱۳۹۴: ۶۶). با تهدید موجودیت این جریان‌ها گرایش به استراتژی‌های بقا به دغدغه اصلی این جریان‌ها تبدیل شد.

با افزایش رقابت‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و قدرت‌یابی جمهوری‌خواهان در ایالات متحده وضعیت پیش‌گفته تا حدودی تغییر کرد. در نتیجه حمایت سعودی و رویکرد دولت جدید در ایالات متحده اپوزیسیون برانداز بازبایی شد و بحران خلأ حمایت‌گری را پشت‌سر نهاد. سازمان مجاهدین خلق که از مدت‌ها قبل با حضور در محافل سیاسی نظیر پارلمان اروپا و کنگره ایالات متحده خود را به‌عنوان نماینده اسلام دموکراتیک در برابر جمهوری اسلامی به‌عنوان نماینده اسلام بنیادگرا معرفی می‌کرد و سرمایه‌گذاری بلندمدتی را بر روی برخی مقام‌های سابق یا فعال امنیتی، نظامی و سیاسی ایالات متحده انجام داده بود، با قدرت‌یابی محافل نزدیک به آنها در کاخ سفید به اتاق فکر ایالات متحده راه یافت (سالنمای امنیت ملی، ۱۳۹۵: ۷۴). حمایت عربستان سعودی نیز به تشدید فعالیت اپوزیسیون مسلح انجامید و حتی گروه‌هایی نظیر حزب دموکرات کردستان ایران را بار دیگر وارد فاز مسلحانه کرد. این روند بیانگر فقدان استراتژی و تاکتیک مناسب برای مقابله با لابی اپوزیسیون و کنشگری مؤثر در قبال دولت‌های معارضه‌جو و تندرو بود.

## ۲-۲. دفع تهدیدهای بیرونی

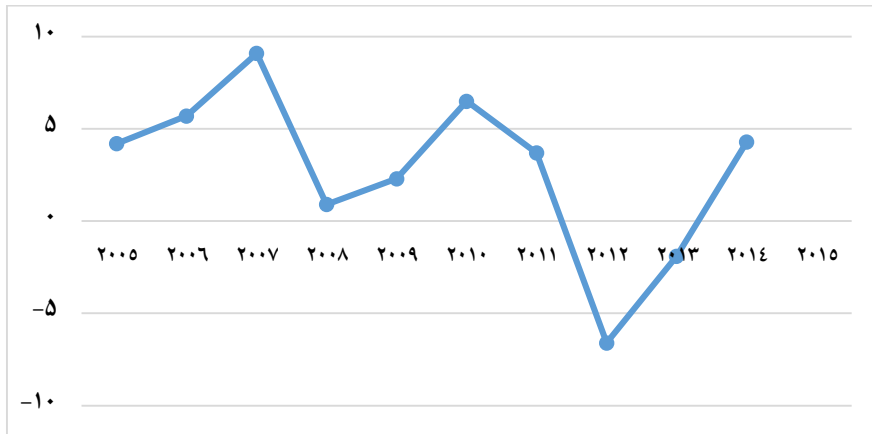
دولت یازدهم در طول دوره خود با دو تهدید بیرونی عمده روبرو بود: نخست بعد نظامی پرونده هسته‌ای که در بخش امنیت نظامی به آن پرداخته شد و دیگری، تهدید داعش. در سال ۱۳۹۳ تهدید گروه تکفیری داعش به یک مسئله امنیت خارجی تبدیل شد که جمهوری اسلامی ایران نه‌تنها درگیر نبرد مستقیم با داعش نشد؛ بلکه توانست حوزه امنیت داخلی کشور را از آسیب این گروه مصون نگاه دارد. در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ ش. گروه داعش تلاش‌های



فراوانی برای انجام حملات تروریستی در داخل مرزهای ایران انجام داد که به دستگیری دهها نفر از اعضای وابسته به این گروه انجامید. تمامی تحرکات این گروه پیش از هرگونه اقدام عملیاتی (از جمله در استان‌هایی نظیر تهران، کرمانشاه، سمنان و کردستان) بی‌سرانجام ماند (سالنمای امنیت ملی، ۱۳۹۵: ۵۸). با وجود این حملات تروریستی در خوزستان در سال ۱۳۹۴ (به‌ویژه تیراندازی به عزاداران محرم)، یارگیری داعش در مناطق کردنشین و اقبال به روحانیون سلفی در این نواحی (سالنمای امنیت ملی، ۱۳۹۴: ۵۸) حکایت از این داشت که به‌رغم ارتقای ضریب امنیت ملی در خصوص تهدیدهای تروریستی داعش، گفتمان افراط‌گرایی مذهبی که انسجام ملی در ایران را نشانه گرفته است در حال تبدیل شدن به یک تهدید امنیتی جدی است که باید راهکارهای بایسته در قبال آن را تدارک دید.

### ۳. امنیت اقتصادی

برای ارائه یک تحلیل درباره امنیت اقتصادی بررسی روند ۵ شاخص اصلی اقتصادی، یعنی روند رشد تولید ناخالص داخلی، میزان بیکاری، درصد تورم، ضریب جینی و تعداد کارگاه‌های صنعتی (۱۰ نفر کارکن و بیشتر) در طول دولت یازدهم (بر اساس آمارهای درخور اعتنای موجود) استفاده شده است. برآوردها نشان می‌دهد که دولت یازدهم در افزایش درصد رشد اقتصادی و کنترل میزان تورم عملکرد موفقی داشته است. به‌گونه‌ای که در طول دولت یازدهم میزان رشد تولید ناخالص داخلی روندی صعودی داشته و بنا بر آمار بانک جهانی از رقم ۶,۶ - به ۴,۴ + رسیده است (نمودار شماره ۵). اگرچه در پایگاه اطلاع‌رسانی بانک جهانی آمارهای سال ۲۰۱۴ به بعد موجود نیست؛ اما آمارهای موجود مرکز آمار ایران حکایت از تداوم این رشد در سال ۱۳۹۵ دارند (جدول شماره ۴). رشد تورم نیز از ۳۴,۷ در سال ۱۳۹۲ به ۹ درصد در سال ۱۳۹۵ کاهش یافته است (نمودار شماره ۶). با توجه به اینکه به‌طور معمول تورم و رشد تولید نسبت مستقیمی باهم دارند، خارج کردن اقتصاد از رکود در عین کنترل تورم دستاورد چشمگیری بوده است.

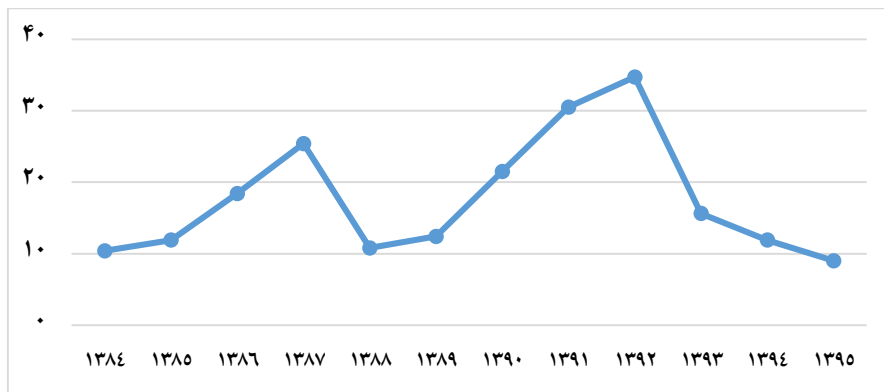


نمودار ۵. رشد تولید ناخالص داخلی (بانک جهانی)

جدول ۴. درصد رشد نه ماهه اول سال ۱۳۹۵ (درصد، سال پایه ۱۳۷۶)

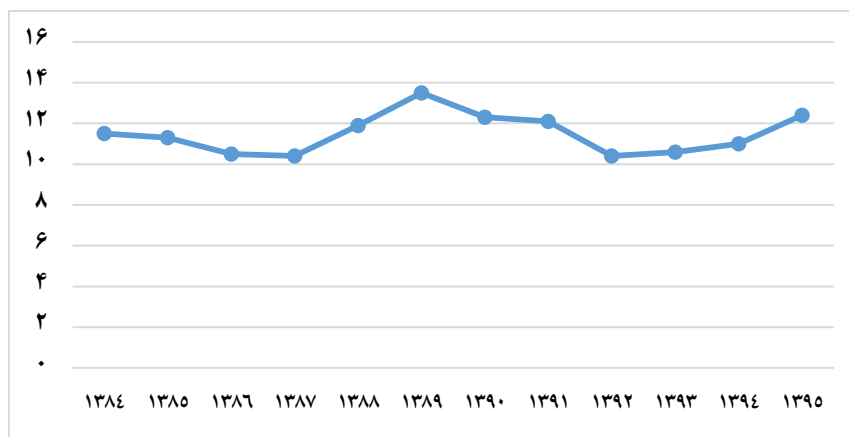
۵/۷	گروه کشاورزی
۱۰/۵	گروه صنعت
۵/۴	گروه خدمات
۷/۲	محصول ناخالص داخلی (به قیمت بازار)
۵/۰	محصول ناخالص داخلی بدون نفت (به قیمت بازار)

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی مرکز آمار ایران

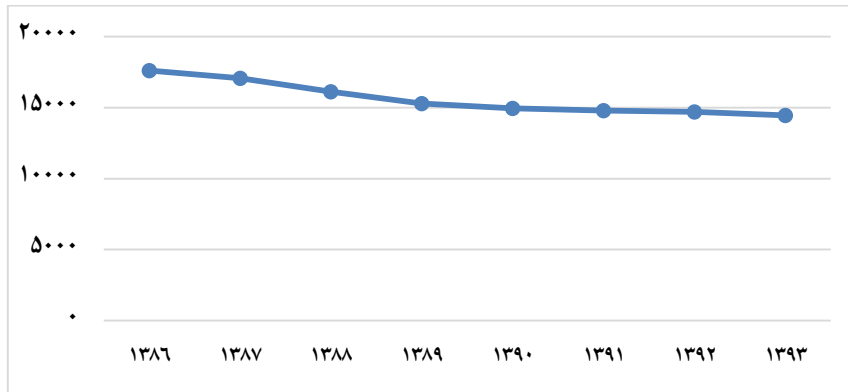


نمودار ۶. شاخص سالانه تورم (۱۳۹۰=۱۰۰): پایگاه اطلاع‌رسانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

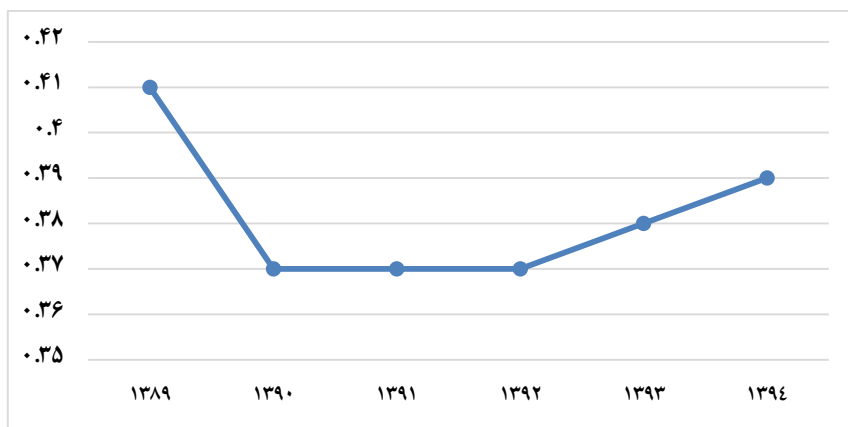
استراتژی دولت یازدهم، همان‌گونه که در گفتمان اعتدال نیز مستتر است و رئیس دولت در مناسبت‌های گوناگون نیز به آن تأکید کرده، برپایه ایجاد اشتغال و رفع نیاز مردم به یارانه خانوارها قرار گرفته بود. باوجود این، افزایش میزان بیکاری در طول دولت یازدهم (باوجود افزایش درصد رشد تولید ناخالص داخلی) از ۱۰,۴ در سال ۱۳۹۲ به ۱۲,۴ در سال ۱۳۹۵ (نمودار شماره ۷)، حکایت از ناکامی دولت در این زمینه داشت. روند نزولی تعداد کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر نیز (نمودار شماره ۸) به‌نوعی دیگر بیانگر همین امر است (احتمالاً رشد تولید ناخالص داخلی کشور را باید به بهره‌گیری از ظرفیت‌های خالی سایر کارگاه‌های صنعتی نسبت داد). آخرین آمار موجود ضریب جینی در کشور (نمودار شماره ۹) نیز ضمن آنکه بیانگر ناکامی دولت در اجرای استراتژی پیش‌گفته است، نشان می‌دهد که شکاف طبقاتی که ممکن است یکی از عوامل نارضایتی عمومی و تهدید امنیت ملی باشد، افزایش یافته است. بنابراین اگر شاخص‌های کلان اقتصادی را در نظر داشته باشیم، تأثیر گفتمان اعتدال بر امنیت ملی در حوزه اقتصادی را با توجه به عنصر متناظر آن، یعنی رفاه اقتصادی (نمودار شماره ۳) باید تأثیری دوگانه تلقی کنیم. به این معنی که از یک‌سو موفق به کنترل روندهای نارضایتی عمومی از طریق کنترل تورم شده ولی از سوی دیگر نتوانسته کامیابی لازم را در دیگر عوامل نارضایتی نظیر بیکاری و شکاف طبقاتی داشته باشد.



نمودار ۷. روند بیکاری در ایران بین سال‌های ۱۳۸۴ - ۱۳۹۵ (پایگاه اطلاع‌رسانی مرکز آمار ایران)



نمودار ۸. تعداد کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر در ایران (پایگاه اطلاع‌رسانی مرکز آمار ایران)



نمودار ۹. ضریب جینی در ایران بین سال‌های ۱۳۸۹ - ۱۳۹۴ (پایگاه اطلاع‌رسانی مرکز آمار ایران)

#### ۴. امنیت اجتماعی

به دلیل گستره موضوع امنیت اجتماعی و نیاز به پرداختن مستقل به این امر (به‌ویژه بحث آسیب‌های اجتماعی) در بخش امنیت اجتماعی تنها مسئله انسجام اجتماعی در بعد قومی و مذهبی آن که یکی از اهداف اصلی دولت یازدهم بوده، مدنظر قرار داده شده است. اقبال عمومی به گفتمان اعتدال در یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در مناطق دارای اقلیت

قومی - مذهبی که خاستگاه فعالیت‌های مسلحانه گریز از مرکز در دهه‌های گذشته بوده‌اند، (جدول شماره ۵) نشان از تأثیر مثبت رویکرد نرم‌افزارانه و غیرامنیتی‌ساز این گفتمان داشت؛ اما روندهای منطقه‌ای و برآمدن داعش مانع از بهره‌گیری کامل دولت یازدهم در این امر شد که فعالیت‌های تروریستی در مناطق اقلیت‌نشین نمود آن بود. برخی کشورهای منطقه که از افزایش وزن منطقه‌ای ایران در نتیجه توافق با ۵ + ۱ نگران بودند به فعالیت گروه‌های تروریستی در استان‌های سیستان و بلوچستان، کردستان و خوزستان دامن زدند. در سایه استراتژی‌ها و اهداف این کشورها گفتمان برخی از گروه‌های تروریستی مانند جیش‌العدل از رویکرد قوم‌محور به تضاد میان اهل سنت و شیعه در سراسر ایران تغییر فاز داد (سالنمای امنیت ملی، ۱۳۹۲: ۴۵) و برخی گروه‌ها مانند حزب دموکرات کردستان ایران (شاخه مصطفی هجری) نیز بار دیگر وارد فاز مسلحانه شدند. این گروه‌ها در طول فعالیت دولت یازدهم به اقدامات متعدد تروریستی دست زدند که حاصل آن شهادت یا جراحت جمعی از نیروهای امنیتی و فعالان سیاسی یا به گروگان گرفته‌شدن تعدادی از پرسنل نیروی انتظامی بود. باوجود این تداوم روند اقبال عمومی به حسن روحانی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۶ ش. (جدول شماره ۶) و کسب رتبه اول در این مناطق به‌رغم برخی نوسان‌ها در نسبت آرا، نشان از اعتماد بیشتر به گفتمان اعتدال و توان بهتر این گفتمان در افزایش انسجام اجتماعی (به نسبت گفتمان‌های رقیب) داشت.

جدول ۵. درصد آرای روحانی در استان‌های مورد فعالیت گروه‌های تروریستی در انتخابات سال ۱۳۹۲

نام استان	درصد مشارکت	درصد آرای حسن روحانی	رتبه در میان ۶ کاندیدا
خوزستان	۷۴	۳۴/۵*	دوم
سیستان و بلوچستان	۷۱/۵	۷۳/۳	اول
کردستان	۶۲/۳	۷۰/۸۵	اول

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت کشور

\*در استان خوزستان محسن رضایی که اهل این استان است بیشترین آرا را (۴۶/۵۹ درصد) به‌دست آورد.

جدول ۶. درصد آرای روحانی در استان‌های مورد فعالیت گروه‌های تروریستی در انتخابات ۱۳۹۶

نام استان	درصد مشارکت	درصد آرای حسن روحانی	رتبه در میان ۶ کاندیدا
خوزستان		۵۲/۷۴	اول
سیستان و بلوچستان		۷۲/۱۹	اول
کردستان		۶۷/۳۹	اول

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت کشور

## ۵. امنیت زیست‌محیطی

توجه به محیط‌زیست یکی از مؤلفه‌های گفتمانی دولت یازدهم بود، به‌گونه‌ای که حسن روحانی در یکی از سخنرانی‌های خود دولت یازدهم را دولت محیط‌زیست دانست. دولت، خط‌مشی و اصول کلی برنامه خود را در چهاردهم مرداد سال یک‌هزار و سیصد و نود و دو توسط رئیس‌جمهور به مجلس شورای اسلامی تقدیم کرد که در آن به اهداف و راهبردهای دولت در حوزه محیط‌زیست اشاره شده بود. بر این اساس اولویت‌های راهبردی دولت شامل موارد زیر می‌شد:

۱. ایجاد مدیریت یکپارچه و کارآمد کاهش آلودگی هوای کلان‌شهرها؛
۲. مدیریت انرژی در جانب عرضه و تقاضا؛
۳. اجرای جدی برنامه مدیریت خاک، پسماند و فاضلاب و تکمیل مقررات آن؛
۴. ارتقای کارآمدی در حفاظت منابع طبیعی و تنوع زیستی؛
۵. احیای شورای عالی محیط‌زیست و تشکیل و فعال‌نمودن صندوق ملی محیط‌زیست؛
۶. آموزش و ترویج سواد، اخلاق، رفتار و عمومی‌سازی فرهنگ محیط‌زیست؛
۷. ارتقای دیپلماسی آب و احیای دیپلماسی محیط‌زیست با تأکید بر معضل ریزگردها؛
۸. توانمندسازی ساختاری و اقتدار محیط‌زیست در حاکمیت؛
۹. ارزیابی زیست‌محیطی - اجتماعی در همه طرح‌ها و لحاظ جدی اقتصاد محیط‌زیست؛
۱۰. اعمال رویکرد هزینه - فایده زیست‌محیطی تمامی بخش‌ها در حساب‌های ملی؛
۱۱. لحاظ آمایش سرزمین با محوریت آب و محیط‌زیست در برنامه‌ها و طرح‌های توسعه.

### ۱-۵. عملکرد دولت یازدهم در حوزه محیط زیست

برپایه گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس مهم‌ترین دستاوردهای زیست‌محیطی این دولت شامل مواردی زیر هستند:

- تشکیل و راه‌اندازی صندوق ملی محیط‌زیست؛
- خودداری از صدور مجوز زیست‌محیطی جهت پروانه‌های جدید اکتشاف و بهره‌برداری معادن در مناطق چهارگانه با مدیریت سازمان و پایش معادن در حال فعالیت مطابق با معیارهای زیست محیطی؛
- بهبود وضعیت هوای کشور به طوری که تعداد روزهای پاک و سالم در کلان‌شهر تهران طی سالهای ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۵ از ۳ به ۱۷ روز و از ۲۰۲ به ۲۶۰ روز افزایش یافته است؛
- تولید ۴۸ میلیون لیتر در روز بنزین و گازوئیل بهینه‌سازی شده و توزیع ۲۴ میلیون لیتر در روز بنزین یورو ۴ در هفت کلان‌شهر؛
- تهیه سند ملی مطالعات جامع عرصه‌های تولید گردوغبار؛
- اجرای برنامه مدیریت زیست بومی تالاب‌های پریشان، گندمان و کمیجان و همچنین تالاب‌های شادگان، طشک، بختگان، حوز سلطان، بزنگان. اجرای فاز دوم مدیریت اکولوژیک تالاب انزلی؛
- رفع تصرفات از اراضی تحت مدیریت به میزان ۸۶۳ هکتار؛
- لغو مصوبه فروش پارک طبیعت پردیسان و اخذ سند مالکیت اراضی آن به‌عنوان اراضی ملی؛
- تشکیل شعب تخصصی قضایی محیط‌زیست، افزایش ۲۰ تا ۲۵ درصدی حقوق محیط‌بانان، پرداخت معوقات چندساله حق‌الکشف محیط‌بانان و پرداخت ۴۰ مورد بدهی محکومیت دیه‌های محیط‌بانان؛
- افزایش سازمانهای مردم‌نهاد محیط‌زیستی از ۴۱۳ سازمان در سال ۱۳۹۲ به ۸۱۲ در سال ۱۳۹۵؛

- ارائه و تصویب لایحه حفاظت از تالاب‌ها به مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۹۴؛
- کاهش روند نزولی سطح آب دریاچه ارومیه، افزایش ورود آب به تالاب هورالعظیم و تصویب تالاب هامون به‌عنوان ذخیره‌گاه زیست کره در یونسکو و بازگشایی حدود یک کیلومتر

از دایک مرزی در قسمت هامون پوزک (شرق تالاب) و احیای تالاب بین‌المللی گاوخونی پس از گذشت ۱۰ سال و آبیگری ۱۵۰۰ هکتار از این تالاب (عملکرد، ۱۳۹۶: ۱۶ و ۱۷ و ۱۸).

با وجود این دستاوردها، همان‌گونه که گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی تأکید می‌کند و مقایسه اهداف و عملکرد دولت یازدهم نیز نشان می‌دهد «این دولت به‌رغم اتخاذ تدابیر، ضوابط و دستورالعمل‌های لازم و انجام اقدامات متعدد در عمل نتوانسته به اهداف خود دست یابد» علاوه بر آن «نهایی‌نشدن آمارهای شاخص‌های بخش محیط‌زیست و نبود آمارهای شفاف، نبود توجه کافی به بحث اقتصاد محیط‌زیست (ابعاد اقتصادی، اجتماعی، بهداشت و سلامت) و بی‌توجهی به الزامات زیست‌محیطی در نظام برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی کشور همچنان به‌عنوان ضعف‌های بنیادی در این حوزه خودنمایی می‌کند.

شاخص EPI (Environmental Performance Index) که شاخصی شناخته شده و معتبر برای رتبه‌بندی زیست‌محیطی کشورهاست نیز تا حدودی همین امر را تأیید می‌کند. جدول شماره ۷ رتبه ایران را بر اساس شاخص EPI بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۷ ش. نشان می‌دهد. چنان که مشاهده می‌شود این رتبه در سال ۱۳۸۴ ش. ۸۸ بوده است سپس در فاصله سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۸ ش. روندی نزولی را طی کرده و از سال ۱۳۸۹ روبه‌بهبود گذاشته است به‌گونه‌ای که وضعیت زیست‌محیطی در ایران در سال ۱۳۹۱ از سال ۱۳۸۸ هم بهتر شده و از رتبه ۸۸ به رتبه ۸۳ ارتقا یافته است. در طول دولت یازدهم رتبه ایران تفاوت چندانی با دوره پیش نداشته مگر در سال ۱۳۹۵ که رتبه زیست‌محیطی کشور به‌شدت نزول کرده و از ۸۳ به ۱۰۵ رسیده است. البته تفاوت شدید رتبه ایران بین سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۵ و بهبود مجدد رتبه ایران در سال ۹۷ (که بهترین رتبه در طول ۱۳ سال مورد بررسی است) نشان از نوعی اعوجاج در رتبه‌بندی مد نظر دارد. اعوجاجی که در جدول شماره ۱۰ مربوط به زیرشاخص‌های اصلی شاخص EPI است نیز وجود دارد. این اعوجاج احتمالاً مربوط به تغییر در روش‌های اندازه‌گیری است که در سال‌های بعد دوباره تصحیح شده است. بنابراین نتیجه پیش‌گفته، یعنی نبود تغییر معنادار شاخص مذکور در طول دولت یازدهم در مقایسه با دوسال پیش از آن محتمل‌ترین نتیجه است.



جدول ۷. رتبه ایران بر اساس شاخص EPI بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۷

سال	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	*۱۳۹۳	۱۳۹۵	۱۳۹۷
رتبه ایران	۸۸	۸۸	۹۲	۹۱	۹۱	۸۶	۸۳	۸۳	۸۳	۱۰۵	۸۰

Source: <http://archive.epi.yale.edu/epi/country-profile/iran/http://epi2016.yale.edu>

\*از سال ۱۳۹۱ به بعد گزارش رتبه‌بندی این شاخص به صورت دوسالانه منتشر شده است.

جدول شماره ۸ که رتبه ایران را بر اساس زیرشاخص‌های EPI بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۷ نشان می‌دهد، تصویر دقیق‌تری از عملکرد دولت یازدهم در حوزه محیط‌زیست ارائه می‌کند. چنان که این جدول نشان می‌دهد (در اینجا هم باید سال ۱۳۹۵ را مستثنی کرد و آمار سال ۱۳۹۷ را هم برای تعیین روند در نظر گرفت) در طول دولت یازدهم (۱۳۹۲ ش. تا ۱۳۹۶ ش.) وضعیت زیرشاخص‌هایی نظیر سلامت محیطی، منابع آبی، جنگل‌ها و کیفیت هوا روند روبه‌بهبودی داشته است؛ ولی زیرشاخص‌هایی نظیر تنوع زیستی و جانوری، کشاورزی، شیلات، آب و فاضلاب و آب و هوا و انرژی (Climate & Energy) روند نامطلوب‌تری را طی کرده‌اند. اگر این نتایج را با اهداف دولت یازدهم بسنجیم خواهیم دریافت که دولت یازدهم در اهدافی چون کاهش آلودگی کلان‌شهرها (شاخص کیفیت هوا) و لحاظ آمایش سرزمین با محوریت آب و محیط‌زیست (باتوجه به بهبود شاخص منابع آبی و جنگل‌ها) ارزیابی زیست‌محیطی - اجتماعی در همه طرحها و اعمال رویکرد هزینه- فایده زیست‌محیطی (شاخص سلامت محیطی) کامیابی نسبی داشته است ولی در دستیابی به برخی اهداف خود ناکام مانده و حتی در بعضی اهداف کارنامه مطلوبی از خود به جا نگذاشته است (مدیریت انرژی در جانب عرضه و تقاضا، اجرای جدی برنامه مدیریت خاک، پسماند و فاضلاب، ارتقای کارآمدی در حفاظت منابع طبیعی و تنوع زیستی). به این ترتیب کارنامه زیست‌محیطی دولت یازدهم در مقایسه با عملکرد دولت پیشین بسیار پربارتر بوده است؛ ولی همچنان که گزارش مجلس، بررسی آمارهای بین‌المللی، مقایسه دستاوردهای دولت یازدهم با اهداف این دولت و از همه مهم‌تر پایداری معضلات بنیادی زیست‌محیطی مانند پدیده ریزگردها، آلودگی هوا و نابودی و کمیابی منابع آبی نشان می‌دهند، فاصله فراوانی میان اهداف و دستاوردهای این دولت در حوزه محیط‌زیست وجود داشته است.

جدول ۸. رتبه ایران بر اساس زیرشاخص‌های EPI بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۷

کشاورزی	منابع آبی	آب و هوا و انرژی	شیلات	جنگل‌ها	تنوع زیستی و جانوری	کیفیت هوا	آب و فاضلاب	سلامت محیطی	
۳۰	۱۱۷	۱۰۰	۴۰	۱۶	۱۲۵	۴۳	۶۵	۱۱۲	۱۳۸۴
۱۵	۱۱۷	۱۰۰	۴۱	۱۶	۱۲۵	۴۳	۶۵	۱۱۲	۱۳۸۵
۱۶	۱۱۷	۱۰۰	۸۶	۱۶	۱۲۵	۴۹	۶۴	۱۱۲	۱۳۸۶
۲۰	۱۱۷	۱۰۰	۷۸	۱۶	۱۲۶	۵۴	۶۳	۱۱۲	۱۳۸۷
۱۷	۱۱۷	۱۰۰	۸۰	۱۶	۱۲۵	۵۴	۵۹	۱۱۱	۱۳۸۸
۱۶	۱۱۷	۱۰۰	۷۷	۱۶	۱۲۷	۵۵	۵۱	۱۰۷	۱۳۸۹
۱۷	۱۱۷	۱۰۰	۶۸	۱۶	۱۲۸	۵۵	۴۷	۱۰۶	۱۳۹۰
۱۷	۱۱۷	۱۰۰	۶۸	۱۶	۱۲۸	۵۸	۴۷	۱۰۴	۱۳۹۱*
۱۷	۱۱۷	۱۰۰	۶۸	۱۶	۱۲۸	۵۸	۴۷	۱۰۴	۱۳۹۳
۶۸	۹۲	۹۷	۱۱۰	-	۱۳۳	۱۰۹	۱۰۱	۱۰۹	۱۳۹۵
۷۳	۹۸	۱۴۷	۱۱۱	۵	۱۳۴	۴۱	۷۳	**۴۶	۱۳۹۷

<http://epi2016.yale.edu/Source>: <http://archive.epi.yale.edu/epi/country-profile/iran>

\* از سال ۱۳۹۱ به بعد گزارش رتبه‌بندی این شاخص به صورت دوسالانه منتشر شده است.

\*\* در این سال از عنوان بسته سلامت به جای سلامت محیطی استفاده شده است.

## نتیجه‌گیری

بستر اصلی این پژوهش را تشریح گفتمان اعتدال و پیامدهای آن بر امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران تشکیل داد. در جریان یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در ایران، گفتمان اعتدال توانست با به‌کارگیری زنجیره‌ای از عوامل بنیادی شامل نخبگان سیاسی و مذهبی سرشناس و تأثیرگذار، رسانه‌ها، احزاب و شبکه‌های مجازی پشتیبان جریان‌های اصلاح‌طلبی و اعتدالی، و بخش‌هایی از جامعه مدنی اسطوره‌های گفتمانی خود را در دسترس نیروهای اجتماعی قرار دهد. سازگاری اصول گفتمانی اعتدالی با خواست‌ها و آرزوهای بخش

درخور توجهی از جامعه اسطوره‌های این گفتمان را به تصور اجتماعی بدل ساخت و اسباب چیرگی گفتمانی آن را بر گفتمان‌های رقیب فراهم آورد. این گفتمان دال برتر اعتدال را که بر بنیاد حکومت دینی (تنوکراسی) و مدرنیسم مشارکتی (مبتنی بر مشروعیت ثانویه) سامان یافته بود در گرانیگاه خود قرار داد و دقیقه‌های گفتمانی نظیر رویکرد تعاملی با جهان خارج؛ الگوی هم‌کنشی اعتدالی در داخل؛ الگوی غیرامنیتی کرانمند در حوزه اجتماعی؛ مهندسی غیرمکانیکی فرهنگ؛ رویکرد تلفیقی - بومی - اقتصادی به امنیت ملی با گرایش نرم‌افزاری؛ الگوسازی ترویجی از جمهوری اسلامی برای صدور انقلاب و رویکرد فرهنگی در مقابله با امپریالیسم را حول این گرانیگاه مفصل‌بندی کرد.

برپایه تحلیل گفتمانی، مرجع، مسئله و ابزار امنیت از دیدگاه گفتمان اعتدال مورد شناسایی قرار گرفتند. این گفتمان، دولت (در معنای عام آن) و مردم را به‌عنوان مرجع امنیت قلمداد کرد. مسئله‌های امنیتی متوجه این مرجع، بعد امنیتی - نظامی پرونده هسته‌ای ایران؛ بی‌اعتمادی متقابل با جهان خارج، فضای امنیتی در داخل؛ رکود و تحریم اقتصادی، تورم؛ روند گسترش‌یابنده آسیب‌های اجتماعی و تهدیدهای زیست‌محیطی بودند. دولت یازدهم تلاش کرد تا با به‌کارگیری تلفیقی از ابزارهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مطابق با دقیقه‌های گفتمانی خود بر این مسئله‌ها فائق آید.

بررسی کارکردی دولت یازدهم نشان از توفیق آن در تبلور برخی دقیقه‌های گفتمانی و ناکامی در برخی دیگر دارد. موارد زیر بیانگر نتایج حاصل در این زمینه هستند:

۱. دولت یازدهم پرونده هسته‌ای کشور را از وجه سیاسی - نظامی خود خارج و به فاز سیاسی - حقوقی وارد کرد و توانست تهدیدهای موجود در عرصه امنیت نظامی را با بهره‌گیری از ابزار نرم‌افزارانه دیپلماسی کم‌رنگ سازد. تهدیدهای بیرونی دیگر نظیر تهدید گروه تکفیری داعش نیز کنترل شد و حوزه امنیت داخلی کشور از آسیب این گروه مصون نگاه داشته شد.

۲. از طریق تداوم رضایت نسبی گروه‌های اجتماعی پشتیبان، به‌کارگیری مشی هم‌کنشی اعتدالی با جریان‌ها و نهادهای داخلی، کنترل تهدیدهای تروریستی و سوق‌دادن جریان‌های اپوزیسیون خارج‌نشین به استراتژی‌های بقا (دست‌کم تا پیش از روی کار آمدن ترامپ) ثبات سیاسی در داخل کشور حفظ گردید.

۳. افزایش روند رشد اقتصادی در عین کنترل تورم دستاورد چشمگیر دولت یازدهم در عرصه اقتصاد بود ولی افزایش درصد بیکاری و همچنین افزایش ضریب جینی در این دوره بیانگر تأثیر دوگانه گفتمان اعتدال بر امنیت ملی در حوزه اقتصادی است. به این معنی که از یکسو موفق به کنترل روندهای نارضایتی عمومی از طریق کنترل تورم شده ولی از سوی دیگر نتوانسته کامیابی لازم را در دیگر عوامل نارضایتی نظیر بیکاری و شکاف طبقاتی داشته باشد.
۴. تداوم روند اقبال عمومی به حسن روحانی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۶ ش. و کسب رتبه اول در مناطقی که سابقه تحركات گریز از مرکز قومی و مذهبی دارند، بهرغم برخی نوسانها در نسبت آراء، نشان از اعتماد بیشتر این مناطق به گفتمان اعتدال و توان بهتر این گفتمان در افزایش انسجام اجتماعی (به نسبت گفتمانهای رقیب) داشت.
۵. بهرغم برخی دستاوردهای با اهمیت، در حوزه محیطزیست میان اهداف و عملکرد دولت یازدهم فاصله زیادی باقی است. گزارش مجلس شورای اسلامی، بررسی آمارهای بین‌المللی، مقایسه دستاوردهای دولت یازدهم با اهداف این دولت و از همه مهم‌تر پایداری معضلات بنیادی زیست‌محیطی مانند پدیده ریزگردها، آلودگی هوا و نابودی و کمیابی منابع آبی بیانگر این امر هستند.

## منابع

- بشیریه، حسین (۱۳۸۲)، دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران، دوره جمهوری اسلامی، تهران: نشر نگاه معاصر.
- بلوچی، حیدرعلی و دیگران (۱۳۹۵)، برجام؛ سیاست‌ها، دستاوردها و الزامات، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی/مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.
- بوزان، باری (۱۳۸۹)، مردم، دولت‌ها، هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال و عطایی، مهدی (۱۳۹۳)، گفتمان هسته‌ای دولت یازدهم، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هفدهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۳، صص ۱۲۰ - ۸۷.
- دی ویلیامز، پل (۱۳۹۲)، درآمدی بر نظریه‌های امنیت، ترجمه علیرضا طیب، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- رحیمی، علیرضا (۱۳۹۳)، گفتمان امنیتی دولت نهم و دهم به مثابه «گفتمان قبض و بسط انقلابی جدید»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هفدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۳، صص ۶۴-۳۱.
- روحانی، حسن (۱۳۷۹)، درآمدی بر مشروعیت و کارآمدی، فصلنامه راهبرد، شماره هجده، صص ۳۶-۷.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۰)، فناوری، مدارهای توسعه و چالش‌های ایران، فصلنامه راهبرد، سال هجدهم، شماره نوزده، بهار ۱۳۸۰، صص ۳۸-۷.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۰)، امنیت عمومی، امنیت ملی و چالش‌های فرارو، فصلنامه راهبرد، شماره بیستم، تابستان ۱۳۸۰، صص ۴۲-۷.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۲)، مفهوم جدید حاکمیت ملی یا فرسایش حاکمیت‌ها، فصلنامه راهبرد، شماره بیست و هشتم، تابستان ۱۳۸۲، صص ۴۱-۱۲.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۴)، همبستگی ملی و مشارکت عمومی، فصلنامه راهبرد، شماره سی و هشتم، زمستان ۱۳۸۴، صص ۳۰-۷.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵)، ثروت ملی یا قدرت ملی؟ اولویت با کدام است؟ فصلنامه راهبرد، شماره سی و نه، بهار ۱۳۸۵، صص ۱۶-۷.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶)، درآمدی بر سرمایه‌گذاری فرهنگی، فصلنامه راهبرد، شماره ۴۴، تابستان ۱۳۸۶، صص ۲۶-۷.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷)، رسانه‌های گروهی و امنیت ملی، فصلنامه راهبرد، شماره ۴۶، بهار ۱۳۸۷، صص ۳۴-۷.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷)، مهندسی فرهنگی: از نظریه تا عمل، فصلنامه راهبرد، شماره ۴۷، تابستان ۱۳۸۷، صص ۴۰-۷.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷)، دین، بازیگر جهانی، همشهری، شماره ۴۷۳۷۰، صص ۱۰۶.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸)، دین و روابط بین‌الملل، پارادوکس‌ها و ضرورت‌ها، فصلنامه راهبرد، سال هجدهم، شماره پنجاه، بهار ۱۳۸۸، صص ۲۷-۷.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸)، آینده روابط خانواده و غرب: رویارویی با همکاری، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۸، صص ۳۲-۷.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۹)، درآمدی بر مؤلفه‌های اساسی محیطی در چشم‌انداز ایران، فصلنامه راهبرد، سال نوزدهم، شماره پنجاه و پنج، تابستان ۱۳۸۹، صص ۳۴-۷.

\_\_\_\_\_ (۱۳۹۰)، سرمایه خانواده، سنگ بنای سرمایه اجتماعی، فصلنامه راهبرد، سال نوزدهم، شماره پنجاه و نه، تابستان ۱۳۹۰، صص ۴۶-۷.

سالنمای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰)، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

سالنمای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۱)، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

سالنمای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۲)، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

سالنمای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۳)، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

سالنمای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴)، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

سایق، یزید (۱۳۷۷)، امنیت در کشورهای در حال توسعه، ترجمه علیرضا طیب و مصطفی ایمانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

عابدینی، عبدالله و دیگران (۱۳۹۵)، برجام؛ سیاست‌ها، دستاوردها و الزامات، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی / مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.

عملکرد دولت یازدهم در بخش محیط زیست (۱۳۹۶)، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، معاونت پژوهش‌های زیربنایی و امور تولیدی.

یورگنسن، ماریان و فیلیپس، لوئیز (۱۳۹۱)، نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.

Alemi, Mino & Tajeddin, Zia & Rajabi Kondlaji, Amin (2017), A Discourse-Historical Analysis of Two Iranian Presidents' Speeches at the UN General Assembly, International Journal of Society, Cul ture & Language,

[http://www.ijscj.net/article\\_26149\\_c73988b7e48ad0b7a66c81ae2176e04d.pdf](http://www.ijscj.net/article_26149_c73988b7e48ad0b7a66c81ae2176e04d.pdf)

Ditto, Steven (2013), Reading Rouhani, The Promise and Pril of Iran s New President, [https://www.washingtoninstitute.org/uploads/Documents/pubs/PolicyFocus129\\_Ditto\\_5.pdf](https://www.washingtoninstitute.org/uploads/Documents/pubs/PolicyFocus129_Ditto_5.pdf)

Giles, Kier (2015), PROSPECTS FOR IRAN'S NEW DIRECTION, Strategic Studies Institute and U.S. Army War College Press,

<http://publications.armywarcollege.edu/pubs/2326.pd>

Hacker, Kenneth L. & Abdelali, Ahmed & Johnston, Jennifer & Boje, David (2016), Analyzing Iranian Leaders' Conflict Framing with Leximancer Automated Text Analysis, [https://www.researchgate.net/publication/308797045\\_Analyzing\\_Iranian\\_Leaders'\\_Conflict\\_Framing\\_With\\_Leximancer\\_Automated\\_Text\\_Analysis](https://www.researchgate.net/publication/308797045_Analyzing_Iranian_Leaders'_Conflict_Framing_With_Leximancer_Automated_Text_Analysis)

Haghgoo, Javad & Ghaffari Hashjin, Zahed & Aghaei, Mohammad (2017), A Review of the Turnaround in Iranian Foreign Policy during President Hassan Rohani's Administration, Journal of History Culture and Art Research, Vol. 6, No. 3, June 2017, 245-263.

Jafari, Lejla & Alihosseini, Ali & Emamjomehzadeh, Javad (2018), DISCOURSE ANALYSIS OF THE MODERATE GOVERNMENT'S FOREIGN POLICY IN IRAN, <https://www.fdv.uni-lj.si/docs/default-source>.

Rehman, Iqbalur (1992), National Security and The problems of Unconventional Warfare, Dehli: Kanishka Publishing House.

Laclau, E & Mouffe, C (1985), Hegemony and socialist strategy, London: Verso

Laclau, Ernesto (1990), New Reflections on the Revolution of Our Time, London: Verso.

Mirzaei, Azizullah & Eslami, Zohreh R & Safari, Fatemeh (2017), Explorhng Rhetorical- Discorsive Practices of Rouhani Presidential Campaign and Victory of his Prudence and Hope key A Discourse of Persuasion, Russian Journal of Linguistics, Vol. 21 No 1 161—182.

Parvin, Anna (2015), A New Discourse Out of a Dark Atmosphere: Critical Discourse Analysis of Iran's Eleventh Presidential Election, International Letters of Social and Humanistic Sciences, ISSN: 2300-2697, Vol. 57, pp 10-20.

- Sahragard1, Rahman & Moghadam, Meisam (2015), Moving in a Gyre: A Discourse Analysis of President Rouhani's De Facto Inaugural Speech, *Studies in English Language Teaching*, Vol. 3, No. 3, p237 -251.
- Selvik, Kjetil (2013), Rouhani to the Rescue, aiming for the Middle Way in the Islamic Republic, *The Norwegian Peacebuilding Resource Centre*  
<https://www.files.ethz.ch/isn/168267/b23f5425a741618d56a22206cbbcb999.pdf>

